

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

مناسک عمره مفرده

مطابق فتاوی

حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی (مدظله العالی)

دوزدوزانی تبریزی، یدالله؛ ۱۳۱۴ -

مناسک حج / مطابق با فتاوی دوزدوزانی تبریزی - [ویرایش؟]. - قم: انتشارات همراز قلم

ISBN: ۹۷۸۶۰۰-۹۳۴۶۸-۵-۲

ص ۱۶۰

۱۳۹۳

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

۱. حج - رساله عملیه. ۲. فقه جعفری - رساله عملیه. الف. عنوان.

۲۹۷/۳۵۷

۳۷۸۶۵۹۶-

BP۱۷۸/۷/م۸۳م۴

مناسک عمره مفرده

مطابق با فتاوی

حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی مدظله العالی

چاپ: آسمان

تیراژ: ۲۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

ناشر: همراز قلم

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شماره شابک: ۹۷۸۶۰۰-۹۳۴۶۸-۵-۲

آدرس دفتر معظم له: قم خیابان معلم کوچه ۱۱ پلاک ۳۷

۰۲۵-۳۷۷۳۳۹۷۳

بسم الرحمن الرحيم

سَاقِلْ مَنْدَرِجِ دَرِشَنَكِ عَمْرَه مَفْرَدَه
مَطْبِقِ بِاَنْظَرِ اَنْبِيَايِشَه وَهَلْ بَابِ
مَجْزِي اَلتَّ اَنْ اَلتَّ اَلتَّ اَلتَّ اَلتَّ اَلتَّ


بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير
خلقه محمد و آله الطاهرين و اللعنة الدائمة على
اعدائهم اجمعين الى يوم الدين

بسم الله الرحمن الرحيم

قال ابو عبدالله عليه السلام: كان ابي عليه السلام يقول:

﴿من أمَّ هذا البيت حاجاً او معتمراً مبرّأً من الكبر، رجع من ذنوبه
كهية يوم ولدته أمّه.﴾

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند که پدرم می فرمود:

هر کسی که برای انجام حج یا عمره به خانه خدا مشرف شود، در
حالی که تکبر نداشته باشد، از گناهان پاک می شود همانند روزی
که از مادر متولد شده است.

(فروع کافی ۳۷۲/۲)

عمره مفرده

مسأله ۱) عمره مفرده یکی از بهترین اعمال است، و فضیلت بسیار دارد. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

«الْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِّكُلِّ ذَنْبٍ^۱ عمره کفّاره تمام گناهان است».

مسأله ۲) عمره را در هر ماهی از سال می توان به جا آورد؛ ولی در ماه رجب از همه ماه ها بهتر است^۲، و در اخبار اسلامی درباره آن بسیار تأکید شده است.

مسأله ۳) عمره همانند حج بر دو قسم است: واجب و مستحب.

مسأله ۴) کسی که فقط توانایی بر عمره مفرده داشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را به جا آورد؛ هر چند استطاعت و توانایی بر حج نداشته باشد، و یک مرتبه در تمام عمر بیش تر واجب نیست،

۱- وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۶، ابواب وجوب الحج، باب ۳۸، حدیث ۷،

و جلد ۱۰، صفحه ۲۴۰، ابواب العمره، باب ۳، حدیث ۷.

۲- روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد، که تنها در کتاب وسائل الشیعه،

جلد ۱۰، صفحه ۲۳۹، ابواب العمره، باب ۳، شانزده روایت نقل شده است.

۸ مناسک عمره مفرده

بنابراین کسانی که حجّ نیابتی به جا می آورند، احتیاط واجب آن است که بعد از انجام عمل نیابت، عمره مفرده ای برای خود به جا آورند.

مسأله ۵) هر کس قصد دارد وارد حرم شود واجب است با احرام وارد شود، و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد، و اگر موسم حج نیست واجب است عمره مفرده انجام دهد. لکن کسانی که به مقتضای شغل شان زیاد به مکه رفت و آمد می کنند (مانند رانندگان اتومبیل، و خدمه کاروان ها)، از این حکم استثنا شده اند. هم چنین کسانی که عمره به جا آورده اند اگر از مکه خارج شوند و دوباره در همان ماه داخل مکه شوند، احرام و عمره مجدد بر آنها واجب نیست.

مسأله ۶) عمره گزاردن بر طفل ممیز مستحب است و اذن ولی در صحت آن معتبر نیست.

مسأله ۷) مستحب است ولیّ طفل غیر ممیز (خواه پسر و خواه دختر) او را مُحَرَّم نماید، به این معنی که جامه های احرام را به او بپوشاند و او را وادار به لبیک گفتن نماید و لبیک را به او تلقین کند، اگر طفل قابل تلقین باشد خودش لبیک بگوید و گرنه ولی طفل به جای او لبیک بگوید، و او را از چیزهایی که اجتناب از آنها بر مُحَرَّم لازم است، باز دارد.

عمره مفرده ۹

بر ولی جایز است که کندن رخت دوخته طفل را تا رسیدن به «فخ» تأخیر بیندازد اگر راهش از آن طرف باشد. و او را وا دارد که آنچه از اعمال حج را می تواند به جا آورد، و آنچه نمی تواند، خود به نیابت او به جا آورد.

سؤال ۸) آیا انجام عمره مفرده در ماه های حج پیش از عمره تمتع جایز است؟ آیا در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست؟

جواب: مانعی ندارد، و در این مسأله بین کسی که برای اولین بار به حج می رود و غیر او تفاوتی نیست.

سؤال ۹) زنی که احتمال می دهد عادت شود و نتواند داخل مسجد الحرام گردد، آیا می تواند برای عمره مستحبی محرم شود، و اگر عادت شد برای طواف و نماز نایب بگیرد؟ هم چنین اگر بیمار احتمال دهد که نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد، آیا می تواند چنین کند؟

جواب: اشکال ندارد، و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شود برای طواف و نماز طواف نایب می گیرد، و بقیه را با رعایت ترتیب خودش انجام می دهد.

مسأله ۱۰) نفقه (هزینه) عمره بچه، که افزون بر نفقه متعارف است، بنابر احتیاط بر ولیّ طفل واجب است نه بر خودش. بلی اگر حفظ بچه متوقف بر همراه بردن او در سفر باشد، یا سفر مصلحت او باشد، جایز است از مال خود بچه مخارج او را تامین کنند.

مسأله ۱۱) اگر ولیّ، بچه غیر ممیز را محرم نماید كفاره صیدش بنابر احتیاط بر عهده ولیّ است ولی ارتکاب سایر محرمات كفاره ندارد نه از مال طفل و نه از مال ولیّ.

سؤال ۱۲) آیا کسی که نمازش را غلط می خواند، و وقت تصحیح آن را ندارد، می تواند عمره مفرده مستحبی به جا آورد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳) آیا انجام عمره مفرده پس از اتمام عمره تمتّع و قبل از آغاز اعمال حج تمتّع، جایز است؟

جواب: نباید عمره مفرده به جا آورده شود، و اگر به جا آورند عمره تمتع لغو می شود و این عمره جایگزین آن می شود.

فاصله معتبر بین دو عمره مفرده:

مسئله ۱۴) شخصی که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره مفرده قبلی او گذشته، اگر برای کاری به جدّه رود و در بازگشت بدون احرام وارد مکه شود، کار خلاف شرعی انجام داده، و باید به میقات برگردد و محرم شود و عمره مفرده به جا آورد؛ زیرا با گذشتن ماه قمری، کسی که وارد مکه می شود باید عمره دیگری انجام دهد.

مسئله ۱۵) کسانی که عمره را مثلاً در ماه شعبان به جا آورده، و در ماه رمضان به (جهت بازدید) به عرفات می روند، با توجه به این که از محدوده حرم خارج می شوند در بازگشت باید محرم شوند، و عمره مفرده دیگری به جا آورند.

مسئله ۱۶) تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، و در هر ماه قمری حتی در یک هفته یا یک روز می شود چند عمره به جا آورد ولی احتیاط مستحب نیت رجا در عمره دوم و سوم و... است.

مسئله ۱۷) اگر ماه رجب می گذرد برای درک فضیلت عمره این ماه می تواند محرم شده و اعمال را در ماه شعبان انجام دهد.

سؤال ۱۸) گاه محل توزیع کالا در مکه مکرمه یک کیلومتر بعد از مسجد تنعیم قرار دارد. وظیفه خدمه‌ای که مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان به آن محل رفت و آمد کنند، چیست؟

جواب: در عمره مفرده، هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجام داده، خارج شود و بازگردد، تکرار عمره لازم نیست؛ اما اگر در ماه بعد برگردد، باید از همان مسجد تنعیم محرم شود، و عمره به‌جا آورد.

سؤال ۱۹) بعضی از فقها می‌گویند: «خدمه‌ای که می‌خواهند از مکه خارج شوند، اگر فقط به جدّه بروند برای ورود مجدد به مکه لازم نیست محرم شوند، ولی اگر به مدینه بروند، برای ورود مجدد به مکه باید دوباره در مسجد شجره محرم شده، و با احرام وارد مکه شوند» نظر حضرت‌عالی چیست؟

جواب: اگر بازگشت او در همان ماه قمری باشد که خارج شده، احرام مجدد لازم نیست، و اگر در ماه بعد بوده، باید مجدداً محرم شود و اعمال را به‌جا آورد.

اعمال عمره مفرده

اعمال عمره مفرده هفت چیز است:

- ۱- احرام از میقات.
- ۲- طواف خانه خدا (هفت دور).
- ۳- نماز طواف.
- ۴- سعی صفا و مروه.
- ۵- تقصیر، یعنی کوتاه کردن مو و ناخن.
- ۶- طواف نساء.
- ۷- نماز طواف نساء.

۱- احرام از میقات

مسأله ۲۰) منظور از میقات جایی است که باید از آنجا برای عمره احرام بست، و بدون احرام نمی‌توان از آن گذشت.

مسأله ۲۱) محل بستن احرام عمره، ادنی الحل یعنی اولین نقطه خارج از حرم است و جایز است از یکی از میقات‌های معروف پنج گانه محرم شود. بنابراین کسانی که قصد عمره مفرده دارند و قبلاً به مدینه می‌روند، لازم است از مسجد شجره محرم شوند.

میقات‌های پنج گانه

۱- مسجد شجره

مسأله ۲۲) «مسجد شجره» در کنار مدینه قرار دارد، و امروز به نام «آبار علی» معروف است، آن را «ذو الحلیفه» نیز می‌نامند. تمام کسانی که می‌خواهند از راه مدینه به حج بروند باید از آنجا محرم شوند، و جایز نیست تأخیر بیندازند، و مثلاً از «جحفه» - که میان راه مکه و مدینه است - محرم شوند، مگر بیماران و افراد ضعیف و

کسانی که موانع دیگری دارند، و نمی‌توانند از مسجد شجره محرم شوند.

مسئله ۲۳) واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه می‌توان در (طرف راست یا چپ) کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق، و مسجد امروز - که بسیار توسعه یافته - وجود ندارد؛ بنابراین، زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می‌توانند در بیرون مسجد احرام ببندند.

مسئله ۲۴) شخص جنب یا حائض می‌تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، و نباید در مسجد توقف کند. همان گونه که می‌تواند در خارج از مسجد محرم شود.

مسئله ۲۵) چنانچه شخص جنب یا حائض بر اثر ازدحام جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و بنا به عللی موفق بر غسل نیز نشود، باید در بیرون مسجد احرام ببندد.

مسئله ۲۶) احتیاط مستحب آن است که از خود مسجد شجره محرم شوند، نه در کنار و اطراف مسجد، و مستحب است که در محل اصلی و قدیمی مسجد احرام ببندند؛ هر چند در قسمت‌های توسعه

یافته مسجد، بلکه در خارج از مسجد - چنان که گفتیم - نیز می‌توان احرام بست.

مسأله ۲۷) هر گاه حائض یا جنب، عمدأ و عصیاناً وارد مسجد شجره شده، و همانند دیگران در آنجا توقّف نموده، و محرم شود. آیا احرامش صحیح است؟

جواب: اگر عمدأ باشد خالی از اشکال نیست.

۲- جُحْفَه

مسأله ۲۸) «جحفه» محلّی است میان مکه و مدینه در فاصله ۱۵۰ کیلومتری مکه، و فعلاً با جاده اصلی مقداری فاصله دارد، و در آنجا مسجد بزرگی ساخته‌اند، و آن، میقات کسانی است که از مصر و شمال آفریقا و سوریه و اردن و لبنان (از طریق زمینی) به حج می‌آیند، بلکه میقات تمام کسانی است که از آنجا عبور می‌کنند.

مسأله ۲۹) مسلمانان ایران و سایر نقاط که با هواپیما وارد فرودگاه جدّه می‌شوند، و نمی‌خواهند به مدینه بروند، می‌توانند به جحفه رفته و از آنجا محرم شوند.

مسأله ۳۰) همان گونه که گفته شد در جحفه مسجدی است که می توان از بیرون یا داخل آن احرام بست، ولی افراد جنب و زنان حائض و نفساء باید از بیرون مسجد محرم شوند.

۳- وادی عقیق

مسأله ۳۱) «وادی عقیق» محلی است در سمت شمال شرقی مکه، که حدود ۹۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، و آن، میقات اهل «عراق» و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می کنند، می توانند از آن جا مُحَرَّم شوند. این میقات دارای سه قسمت است: قسمت اوّل را «مَسْلَخ» می نامند، و قسمت دوم را «غَمْره»، و قسمت سوم را «ذات عرق» می گویند، و احرام بستن از تمام آن ها جایز است، هر چند افضل احرام از «مسلخ» است.

۴- قرن المنازل

مسأله ۳۲) «قرن المنازل» محلی است نزدیک «طائف» که حدود ۹۴ کیلومتر با مکه فاصله دارد، و آن میقات مردم آن جا، یا کسانی است که از آن جا عبور می کنند. بلکه تمام کسانی که وارد جدّه می شوند، می توانند به آن جا رفته و از آن جا محرم شوند.

۵- یلملم

مسأله ۳۳) نام کوهی است در نواحی جنوبی مکه که حدود ۸۴ کیلومتر با آن فاصله دارد و آن میقات کسانی است که از جنوب شبه جزیره عربستان مانند یمن، به سوی مکه می آیند، و نیز تمام کسانی که از آن جا می گذرند، می توانند از آن جا محرم شوند.

أدنی الحل

مسأله ۳۴) «أدنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده به جا می آورند.

مسأله ۳۵) بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از این سه محلّ: «حدیبیه» یا «جعرانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکه معروف است، احرام ببندد، و آسان تر برای کسانی که می خواهند بعد از حج، عمره مفرده به جا آورند این است که به مسجد تنعیم - که حدود هشت کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد و در حال حاضر جزء شهر مکه است - بروند، و از آن جا محرم شوند.

مسأله ۳۶) کسانی که از طریق جدّه مستقیماً برای عمره مفرده به سوی مکه می‌روند باید از «حدیبیه» که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است، محرم شوند (حدیبیه دورترین حدّ حرم است).^۱

مسأله ۳۷) شاغلین در جدّه (از ایرانیان و سایر کشورها) در عمره مفرده می‌توانند مانند سایرین از «حدیبیه» محرم شوند، و چنانچه بر اثر جهل به مسأله یا نسیان در جای دیگری محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست، و محرّمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود و اگر عمره واجب است باید اعاده کند در صورت علم و عمد نیز حکم مسأله همین است.

محاذات مسجد شجره

مسأله ۳۸) کسی که یک ماه یا بیشتر در مدینه منوره اقامت نموده و عازم حج باشد و بخواهد از غیر راه متعارف مدینه تا مکه برود، همین که شش میل از مدینه دور شود، محاذی و برابر مسجد شجره خواهد بود و همان‌جا میقاتش می‌شود و از همان‌جا احرام می‌بندد. و

۱- حدیبیه در کنار جاده قدیم «جدّه، مکه» واقع شده، و محاذی آن در جاده جدید در نزدیکی پل شمیسی مسجدی ساخته‌اند که محاذی آن است.

اگر در مدینه یک ماه نماند، احرام بستن از محاذات آن خالی از اشکال نیست و بنابر احتیاط باید از خود مسجد شجره احرام ببندد و نیز احرام بستن از محاذات میقات‌های دیگر خالی از اشکال نیست.

مسئله ۳۹) کسانی که از محاذات یکی از میقات‌ها عبور می‌کنند، احتیاط واجب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند، و بهتر آن است که در محاذات تجدید احرام کنند (ولی واجب نیست).

مسئله ۴۰) منظور از محاذات برای کسی که به طرف مکه می‌رود آن است که به جایی برسد که میقات در سمت راست یا چپ او واقع شده، به گونه‌ای که اگر از آن نقطه عبور کند میقات متمایل به پشت او گردد.

مسئله ۴۱) اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد اطمینان پرسد، و اگر نتواند مکان محاذات را تشخیص دهد، قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد محاذات باشد بنابر احتیاط با نذر محرم شود.

مسئله ۴۲) هرگاه از راهی بگذرد که محاذی هیچ یک از میقات‌ها نیست (مانند جدّه)، احتیاط آن است که به میقات رود و از آن جا محرم شود.

احکام میقات‌ها

مسئله ۴۳) احرام بستن قبل از میقات جایز نیست. همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام حرام است، و تنها باید در خود میقات محرم شوند؛ مگر در دو صورت:

۱- در صورتی که نذر کند قبل از میقات محرم شود، لازم است به نذر خود وفا کند، از هر جا که باشد، و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست، به همین جهت هنگامی که انسان در میقات شک کند، می‌تواند قبل از رسیدن به محلّ مشکوک، «نذر احرام» نماید، و از همان جا محرم شود، و فرقی میان حجّ واجب و مستحب نیست؛ و نذر زن در صورتی که مزاحم حق شوهر نباشد اشکالی ندارد.

۲- برای کسی که می‌خواهد عمره ماه رجب را به‌جا آورد، و بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن به میقات تمام گردد، جایز است قبل از میقات محرم شود، تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند.

مسئله ۴۴) رسیدن به میقات باید به طور یقین، یا اطمینان، یا شهرت در میان اهل محل، یا حداقل شهادت یک نفر عادل ثابت شود، و در صورت شک، احرام بستن جایز نیست؛ مگر از طریق نذر کردن.

مسئله ۴۵) کسانی که میقات برای آن‌ها مشخص نیست نمی‌توانند به گفته راهنما، یا رئیس کاروان، که می‌گوید فلان محل میقات است، محرم شوند، مگر این که از گفته آن‌ها اطمینان پیدا کنند، بلکه ظنّ حاصل از گفته اهل اطلاع نیز کافی است. در غیر این صورت باید به اهل محل مراجعه کنند.

مسئله ۴۶) عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، ولو این که میقات دیگری در پیش داشته باشد و اگر عبور کرد در صورت امکان باید برگردد.

مسئله ۴۷) جایز نیست اختیاراً احرام را از میقات تأخیر بیندازد. بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات هم بدون احرام عبور نکند؛ اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسئله ۴۸) کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند، و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات عبور کنند، و اگر چنین کنند، واجب است به میقات بازگردند، و از آن‌جا محرم شوند، و اگر نتوانند برگردند، از همان جا که هستند محرم می‌شوند.

مسئله ۴۹) اگر بدون احرام از میقات بگذرد، ولو میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، لازم است به میقات اوّل بازگردد و در صورت عدم امکان بازگشت از میقات دوم احرام می‌بندد.

مسئله ۵۰) هرگاه از روی جهل یا فراموشی در میقات محرم نشود، هنگامی که یادش آمد اگر بیرون حرم است، باید از همان جا احرام ببندد، و اگر وارد حرم شده به بیرون حرم (مثلاً تنعیم) برود و احرام ببندد، و اگر نمی‌تواند از حرم بیرون برود، از همان جا که هست احرام می‌بندد.

مسئله ۵۱) هرگاه زن در حال عادت ماهیانه باشد، و خیال کند احرام بستن برای او جایز نیست، و در میقات احرام نبندد، اگر می‌تواند، باید به میقات برگردد و مُحَرَّم شود، و اگر نمی‌تواند، به خارج حرم رود و در آن جا احرام ببندد، و اگر نمی‌تواند، از همان جا که هست احرام ببندد، و عمره او صحیح است.

مسئله ۵۲) هرگاه از روی جهل یا فراموشی احرام را ترک کند، و بعد از تمام شدن اعمال متوجه شود، اعمال او باطل است.

مسئله ۵۳) کسی که با احرام عمره مفرده وارد مکه می‌شود، در صورتی که در ماههای حج (شوآل، ذی القعدة و ذی الحجة) احرام

بسته باشد، جایز است آن را عمره تمتع قرار دهد، و به دنبال آن حج تمتع به جا آورد.

سؤال ۵۴) آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است؟
جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۵۵) زنی بدون اجازه شوهرش نذر نموده، و قبل از رسیدن به میقات با نذر محرم می شود. آیا احرام وی و اعمال پس از آن صحیح است؟

جواب: اگر نذر او منافاتی با حق شوهرش ندارد، احرامش صحیح است.

سؤال ۵۶) اگر نذر قبل از میقات مستلزم ارتکاب حرام مثل استظلال در روز باشد آیا باز هم جایز است؟
جواب: به نظر ما این گونه نذرها باطل است.

واجبات احرام

نخستین عمل عمره مفرده احرام است و واجبات احرام سه چیز است: پوشیدن لباس احرام، نیت، تلبیه .

اول: پوشیدن دو جامه احرام (ازار و رداء) پس از کندن رختیایی که پوشیدنش بر محرم حرام است. و پوشیدن آن دو جامه به این نحو است که یکی را مانند لنگ به دور کمر خود بسته و آن را «إزار» گویند. و دیگری را مانند عبا بر دوش بگیرد و آن را «رداء» گویند. و بچه نابالغ از این حکم مستثنی می‌باشد و جایز است کندن لباس او تا رسیدن به «فخ» تأخیر شود.

مسأله ۵۷) پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبّدی است و شرط تحقق احرام نیست بنابراین ظاهر. و احتیاط این است که پوشیدن آن‌ها به نحو متعارف باشد.

مسأله ۵۸) إزار باید به اندازه‌ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند. و رداء باید به اندازه‌ای باشد که دو شانه را بپوشاند. و احتیاط این است که پوشیدن آن‌ها پیش از نیت و تلبیه باشد. پس اگر نیت و تلبیه را پیش

از پوشیدن به جا آورد، احوط و اولی این است که پس از پوشیدن، نیت و تلبیه را تکرار نماید.

مسأله ۵۹) هر گاه از روی نادانی یا فراموشی موقعی که پیراهن پوشیده احرام بست، آن را فوراً بکند و احرامش صحیح است. بلکه اظهار این است که حتی در صورتی که از روی علم و عمد در پیراهن یا جامه عادی احرام ببندد، صحیح خواهد بود. و اما اگر بعد از احرام پیراهنی پوشید، احرامش بدون شک صحیح است. ولی باید آن را از طرف پا بکند و چنانچه یقه آن تنگ باشد که نشود از طرف پا بکند، آن را شکافته و از طرف پا بکند. خلاصه آن که نباید از طرف سرکنده شود.

مسأله ۶۰) پوشیدن بیش از دو جامه در اول احرام یا بعد از آن برای جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن عیبی ندارد.

مسأله ۶۱) آنچه در لباس نماز گزار شرط است، در دو جامه احرام نیز شرط است. پس لازم است که دو جامه احرام از حریر خالص و از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد. و زر بافت نیز نباشد. و هم چنین لازم است پاک باشد. بلی نجس شدن به نجاستی که در نماز بخشوده است، عیبی ندارد.

مسأله ۶۲) اِزار باید بدن نما نباشد. و احوط این است که رداء نیز بدن نما نباشد.

مسأله ۶۳) احوط در دو جامه احرام این است که بافتنی باشد و از قبیل چرم و پوست و نمد نباشد.

مسأله ۶۴) پوشیدن رداء و اِزار فقط بر مردان واجب است و زنان می توانند در رخت های عادی خود در صورتی که دارای شرایط ذکر شده باشد، احرام ببندند.

مسأله ۶۵) پوشیدن حریر گرچه فقط بر مردان حرام است، اما زنان نیز نباید در جامه حریر احرام ببندند. و احتیاط این است که هیچ چیزی که از حریر خالص باشد، در تمام احوال احرام نپوشند.

مسأله ۶۶) چنان چه یکی از دو جامه احرام یا هر دو بعد از احرام بستن نجس شود، احوط این است که هر چه زودتر تبدیل یا تطهیر نماید.

مسأله ۶۷) بر محرم واجب نیست جامه های احرام را به طور دائم بپوشد و بر داشتن رداء از روی دوش برای ضرورت یا غیر آن عیبی ندارد، هم چنان که عوض کردن آن در صورتی که آن عوض دارای شرایط ذکر شده باشد، عیبی ندارد.

دوم: نیت یعنی قصد به جا آوردن آنچه در حج و عمره واجب شده قربةً إلى الله تعالى است. و چنانچه اعمال واجب را به طور تفصیل نداند، واجب است قصد به جا آوردن را به طور اجمال نماید. و در این هنگام لازم است به تدریج آنچه بر او واجب می شود از روی کتاب مناسک یاد گرفته یا از کسی که مورد وثوقش باشد، پرسد. پس هرگاه بدون قصد، احرام بست احرامش باطل خواهد بود.

در نیت چند چیز معتبر است:

- ۱- قصد قربت (نزدیک شدن به رضای الهی) مانند دیگر عبادات.
- ۲- هم زمان بودن با شروع در احرام.
- ۳- تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج، و تعیین این که برای خود است یا برای دیگری، پس اگر بدون تعیین نیت احرام نمود، احرامش باطل خواهد بود.

مسأله ۶۸) در صحت نیت، گفتن به زبان و گذراندن از ذهن معتبر نیست یعنی لازم نیست نیت را به زبان آورده یا از ذهن خود بگذرانند. بلکه داعی و انگیزه بر آن کفایت می کند. مانند عبادت های دیگر که در آنها داعی کافی است.

مسأله ۶۹) در صحت احرام عزم بر ترک محرمات از اول تا آخر معتبر نیست، مگر استمناء و جماع. پس اگر از اول احرام قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی استمناء یا جماع نماید احرام باطل است.

سوم: تلبیه، یعنی گفتن این چند جمله است: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ).

و جایز است کلمه (لَكَ) بعد از کلمه (وَالْمُلْكُ) اضافه شود که بگوید (وَالْمُلْكُ لَكَ). و تلبیه کامل این است:

(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكُ لَكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ).

یعنی پروردگارا فرمان تو را، اجابت و اطاعت می کنم برای تو شریک نیست، به درستی که ستایش تو را سزااست و نعمت و ملک و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو در آنها نیست.

مسأله ۷۰) بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گیرد و به طور صحیح ادا نماید. مانند تکبیره الحرام در نماز، هرچند این معنی با تلقین دیگری باشد، یعنی دیگری که خوب بلد است بگوید و وی مانند او بگوید. پس اگر این الفاظ را یاد نگرفت و تلقین هم برایش

ممکن نبود، واجب است آنچه می تواند بگوید. و احوط در این صورت، جمع بین گفتن به مقدار میسور و گفتن ترجمه آن ها و نایب گرفتن دیگری است که به جای او بگوید.

مسئله ۷۱) شخص گنگ و لال با انگشت خود به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد. و اولی این است که این کار را خود انجام داده و نایب هم بگیرد که به جای او لبیک بگوید.

مسئله ۷۲) بچه غیر ممیز، دیگری به جای او تلبیه می گوید.

مسئله ۷۳) احرام عمره بدون تلبیه منعقد نمی شود.

مسئله ۷۴) در صحت احرام، طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط نیست و کسی که محدث به حدث اصغر یا حدث اکبر باشد، احرام وی صحیح است. به عبارت دیگر احرام شخص بی وضو یا جنب یا زن در حال حیض یا نفاس اشکالی ندارد. بنابراین جنب و حائض و نفساء می توانند احرام ببندند.

مسئله ۷۵) تلبیه در احرام به منزله تکبیره الاحرام در نماز است. پس احرام عمره بدون تلبیه محقق نمی شود. پس هرگاه نیت احرام نموده و لباس احرام را پوشید و یکی از محرمات احرام را قبل از تحقق احرام (لبیک گفتن) به جا آورد، گناهی نکرده و کفاره ای بر وی نخواهد بود.

مسأله ۷۶) کسی که عمره مفرده به جا می آورد اگر از خارج حرم آمده باشد، هنگام دخول حرم و چنانچه از مکه بیرون رفته که احرام عمره ببندد، هنگام دیدن کعبه (خانه خدا) تلبیه را قطع نماید.

مسأله ۷۷) اگر پس از پوشیدن لباس احرام و پیش از گذشتن از میقات، شک کند که لبیک گفته یا نه، بنا را بر نگفتن گذاشته و لبیک بگوید و اگر بعد از لبیک گفتن شک کند که آیا درست گفته یا نه، بنا را بر درست بودن بگذارد و احرام و عملش صحیح است.

محرمات احرام

سابقاً ذکر شد که احرام به تلبیه محقق می‌شود و بدون آن احرام منعقد نخواهد شد، هر چند نیت احرام حاصل شده باشد. پس هرگاه مکلف احرام بست، بیست و پنج چیز بر او حرام می‌شود که آن‌ها را تروک احرام می‌نامند:

- ۱- شکار حیوان صحرائی.
- ۲- نزدیکی با زنان.
- ۳- بوسیدن زن.
- ۴- دست زدن به زن.
- ۵- نگاه کردن به زن.
- ۶- استمناء.
- ۷- عقد نکاح.
- ۸- استعمال بوی خوش.
- ۹- پوشیدن لباس دوخته بر مردان.
- ۱۰- سرمه کشیدن.
- ۱۱- نگاه در آئینه.

۱۲- پوشیدن چکمه و جوراب بر مردان.

۱۳- دروغ و دشنام و تفاخر.

۱۴- مجادله (قسم خوردن).

۱۵- کشتن حشرات.

۱۶- زینت کردن.

۱۷- روغنمالی بدن.

۱۸- ازاله‌ی موی بدن.

۱۹- پوشاندن سر بر مردان

۲۰- پوشانیدن رو بر زنان.

۲۱- زیر سایه رفتن بر مردان.

۲۲- خارج نمودن خون از بدن.

۲۳- ناخن گرفتن.

۲۴- دندان کشیدن.

۲۵- همراه داشتن سلاح.

و تفصیل این امور در مسائل آینده بیان خواهد شد:

۱- شکار حیوان صحرائی

مسأله ۷۸) محرم خواه در حرم خواه در حلّ (خارج از حرم) باشد، نباید حیوان صحرائی را شکار نموده یا بکشد، چه حلال گوشت باشد یا نباشد هم چنان که جایز نیست کشتن حیوان صحرائی، اگر چه بعد از شکار، اهلی شده باشد. و شکار در حرم هر چند شکارچی محرم نباشد مطلقاً جایز نیست.

مسأله ۷۹) هم چنان که شکار حیوان صحرائی بر محرم حرام است، کمک دیگری در شکار نیز حرام است، هر چند با اشاره باشد. و در حرمت کمک میان این که شکارچی محرم باشد یا مُحلّ فرقی نیست.

مسأله ۸۰) محرم نباید شکار را به دست گرفته یا از او نگهداری کند، اگر چه شکارش پیش از احرام باشد. و نباید از گوشت شکار بخورد، هر چند شکار کننده مُحلّ باشد و نیز خوردن گوشت شکاری که محرم او را ذبح نموده بر محلّ حرام است و هم چنین شکاری را که محلّ در حرم ذبح نموده باشد. و ملخ ملحق به حیوان صحرائی است و شکار و گرفتن و خوردنش حرام است.

مسأله ۸۱) حکم مذکور مختص به حیوان صحرائی است و شکار حیوان دریایی مانند ماهی اشکالی ندارد. و مقصود از دریایی آن است که فقط در آب زندگی کند، و اما حیوانی که در صحرا و دریا هر دو زندگی می کند، ملحق به صحرائی می باشد. و در صورت شک به این که صحرائی است یا دریایی، بنابر اظهر اشکالی ندارد. و هم چنین کشتن حیوان اهلی مانند مرغ خانگی اگر چه وحشی شده باشد، و گوسفند و گاو و شتر عیبی ندارد.

مسأله ۸۲) جوجه و تخم حیوانات مذکور، در حکم، تابع خود آنها است یعنی همان طور که شکار حیوان صحرائی حرام است، شکار جوجه یا برداشتن تخم آنها نیز حرام است و همان طور که کشتن حیوان اهلی و شکار حیوان دریایی جایز است، کشتن جوجه و شکستن تخم آنها نیز جایز است.

مسأله ۸۳) کشتن حیوانات درنده برای محرم جایز نیست مگر در صورتی که از آنها بر خود بترسد یا کبوتران حرم را اذیت کنند و در کشتن درندگان حتی شیر کفّاره نیست. بنابر اظهر، خواه کشتن آنها جایز باشد یا نباشد.

مسأله ۸۴) محرم می تواند افعی و مار بزرگ سیاه و مارهای بد
وعقرب و موش را بکشد و در کشتن هیچ کدام کفّاره نیست.

مسأله ۸۵) محرم می تواند به کلاغ و باز شکاری تیر اندازی کند و
در صورتی که تیر به آنها برسد و کشته شود، کفّاره ندارد.

کفّارات شکار

برای کشتن و شکار هر یک از حیوانات صحرائی در شریعت مطهره کفّاره‌ای معین شده که در مسائل ذیل بیان خواهد شد.

مسأله ۸۶) در کشتن شتر مرغ، یک شتر و در کشتن گاو وحشی، یک گاو و در کشتن خر وحشی، یک شتر یا یک گاو، و در کشتن آهو و خرگوش، یک گوسفند و هم‌چنین در کشتن روباه بنا بر احتیاط، یک گوسفند کفّاره هست.

مسأله ۸۷) کسی که شکاری کرد چنان‌چه کفّاره آن شتر باشد، و یافت نشود باید شصت مسکین را اطعام نماید، برای هر مسکین یک مُد که ۷۵۰ گرم است. و اگر این را هم نتواند، باید هجده روز روزه بگیرد. و اگر کفّاره گاو باشد و دست نیاید یا مقدور نباشد باید سی مسکین را اطعام نماید. و اگر این را هم نتواند، روزه بگیرد. و اگر کفّاره گوسفند باشد و یافت نشود یا نتواند تهیه کند باید ده مسکین را اطعام نماید. و اگر متمکن نباشد باید سه روز روزه بگیرد.

مسأله ۸۸) هرگاه محرم در خارج حرم پرنده‌ای را شکار نموده و بکشد یک گوسفند باید کفّاره بدهد. و در جوجه آن، یک برّه یا بزغاله

باید کفّاره بدهد. و در شکستن تخم آن، یک درهم بنابر احتیاط باید کفّاره بدهد. و هرگاه مُحل (غیر محرم) پرنده‌ای را در حرم بکشد، یک درهم و در جوجه آن نیم درهم و در تخم آن ربع درهم کفّاره بدهد و هرگاه محرم در حرم پرنده‌ای را بکشد، هر دو کفّاره بر او واجب می‌شود. و نیز کشتن جوجه و شکستن تخم همین حکم را دارد. و تخم اگر جوجه در آن به حرکت آمده، حکم جوجه را دارد.

مسأله ۸۹) کفّاره شکار قِطَاة (مرغی است که آن را به فارسی سنگ‌خوار نامند) و کبک و درّاج و مانند آن، یک برّه‌ای است که از شیر گرفته شده و علفخوار باشد. و کفّاره شکار گنجشک و قَبْره (که نوعی از مرغان می‌باشد که به فارسی آن را چکاوک نامند) و صعوه (مرغی است کوچک و به فارسی آن را سنگانه نامند) و مانند آن بنابر مشهور، یک مُد که تقریباً ۷۵۰ گرم (ده سیر) گندم یا جو یا نان و مانند این‌هاست. و احوط در این‌ها یک برّه از شیر گرفته شده است. و کفّاره کشتن یک ملخ، یک دانه خرما و کفّاره بیشتر از یک ملخ، یک مِث گندم و مانند آن و در زیاد آن یک گوسفند است.

مسأله ۹۰) کشتن موش صحرائی و خارپشت و سوسمار و مانند این‌ها، یک بزغاله کفاره دارد. و یک نوع مارمولک (عظایه) یک مشّت طعام کفاره دارد.

مسأله ۹۱) کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفاره دارد. و در صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد، کفاره ندارد.

مسأله ۹۲) در راهی که ملخ زیاد است، بایستی محرم راه خود را کج کند که آن را نکشد و اگر نتواند این کار را بکند که خواه ناخواه ملخ پایمال می‌شود، عیبی ندارد.

مسأله ۹۳) اگر جماعتی در کشتن شکاری شرکت کردند، بر هر یک کفاره مستقّلی واجب است.

مسأله ۹۴) کفاره خوردن شکار مانند کفاره خود شکار است. پس اگر محرم شکاری کرد و آن را خورد، دو کفاره باید بدهد، یکی برای شکار و دیگری برای خوردن آن.

مسأله ۹۵) کسی که شکار همراه دارد و قصد داخل شدن به حرم را دارد، باید شکار را رها کند و چنانچه رهایش نکرد تا این که مرد باید کفاره بدهد، بلکه بنابر احتیاط این حکم نسبت به کسی که قبل از

۴۰..... مناسک عمره مفرده

احرام شکاری کند و سپس محرم شود، نیز جاری است یعنی باید بعد از احرام شکار را رها کند، هر چند داخل حرم نشده باشد.

مسأله ۹۶) وجوب کفّاره در کشتن شکار و خوردنش فرقی ندارد چه از روی عمد یا سهو یا نادانی باشد.

مسأله ۹۷) در شکار مکرر کفّاره نیز مکرر می‌شود، خواه شکار از روی نادانی یا فراموشی یا خطا باشد. و هم چنین است در صورت عمد اگر شکار در حرم و شکار کننده مُحل باشد یا شکار کننده در احرام های متعدد شکار کند، و اما اگر شکار عمداً از محرم در یک احرام مکرر شد، کفاره مکرر نخواهد شد.

۲- نزدیکی با زنان

مسأله ۹۸) نزدیکی با زنان (جماع) در اثنای عمره مفرده پیش از به‌جا آوردن نماز طواف نساء بر محرم حرام است.

مسأله ۹۹) کسی که از روی علم و عمد در عمره مفرده پس از سعی، با زن خود نزدیکی نماید، مانند گذشته کفاره بر او واجب می‌شود ولی عمره‌اش فاسد نمی‌شود. ولی اگر قبل از سعی باشد، عمره‌اش نیز باطل و واجب است تا آخر ماه در مکه توقف نماید و در ماه

جدید به یکی از مواقیت رفته و از آن جا برای عمره دوم محرم شود، و احوط این است که همان عمره فاسد را نیز تمام کند.

مسأله ۱۰۰) کسی که از احرام در آمده، اگر با زن خود که در حال احرام است نزدیکی نماید، کفاره بر زن واجب می شود ولی مرد باید غرامت آن را بدهد. و کفاره اش یک شتر است.

مسأله ۱۰۱) شخص محرم هر گاه از روی نادانی یا فراموشی با زن خود نزدیکی نماید، عمره اش صحیح است و کفاره ای بر او واجب نمی شود. و این حکم نسبت به سایر محرماتی که موجب کفاره است و در ذیل بیان می شود، نیز جاری است، به این معنا که هر عملی که از محرم از روی جهل و نسیان سر بزنند، کفاره ندارد. مگر در دو مورد:

۱- کسی که دست خود را بی جهت به سر یا ریش خود بکشد و یک یا دو مو از آن بیفتد.

۲- آن که بدن خود را از روی نادانی روغن مالی کند. و حکم تمام این ها در جای خود ذکر خواهد شد انشاء الله تعالی.

۳- بوسیدن زن

مسأله ۱۰۲) جایز نیست محرم زن خود را از روی شهوت ببوسد و چنان چه او را بوسید و منی از او خارج شد، لازم است یک شتر کفاره

بدهد. و بنابر احتیاط اگر منی از او خارج نشود نیز کفاره دارد. و اما اگر بوسیدن از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره دارد.

مسئله ۱۰۳) هر گاه شخص بعد از طواف نساء زن خود را که در حال احرام است ببوسد، باید بنابر احتیاط یک گوسفند قربانی کند.

۴- لمس زن

مسئله ۱۰۴) شخص محرم نباید دست یا بدن خود را از روی شهوت بر بدن زن خود بگذارد، و چنانچه این کار را کرد، باید یک گوسفند کفاره بدهد. و اگر این عمل از روی شهوت نباشد، چیزی بر او نخواهد بود.

۵- نگاه کردن به زن و ملاعبه با او

مسئله ۱۰۵) هر گاه محرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند و منی از او بیرون بیاید، یک شتر باید کفاره بدهد. ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند کفاره ندارد.

مسئله ۱۰۶) هر گاه محرم با همسر خود ملاعبه و شوخی نماید تا آن که منی از او بیرون بیاید، لازم است یک شتر کفاره بدهد. و چنان-

چه به زن اجنبی از روی شهوت یا بدون شهوت نگاه کند و منی از او بیرون بیاید، کفاره اش اگر آن شخص متمکن و دارا باشد، یک شتر است و اگر از جهت قدرت مالی متوسط باشد یک گاو است و اگر فقیر باشد کفاره اش یک گوسفند است. و اما اگر به او نگاه کند هر چند از روی شهوت باشد و منی از او بیرون نیاید، اگر چه حرامی به جا آورده، ولی کفاره ندارد.

مسأله ۱۰۷) محرم می تواند بغیر از آن چه گفته شد، از عیال خود لذت ببرد بنابر اظهر. ولی احوط ترک استمتاع است مطلقاً.

۶- استمناء

مسأله ۱۰۸) هر گاه محرم با آلت خود بازی نماید و منی از او بیرون آید، حکمش حکم کسی است که با زن خود نزدیکی کرده باشد. بنابراین اگر این کار را در عمره مفرده پیش از فراغت از سعی انجام دهد، عمره اش فاسد بوده و لازم است آن را به پایان رسانده و در مکه توقف نماید تا ماه تمام شود و در ماه بعد به یکی از مواقیت رفته و از آن جا برای عمره مفرده احرام ببندد، چنان که در مسأله (۱۰۰) بیان شد. و کفاره استمناء مانند کفاره جماع است. و چنانچه بدون بازی با آلت استمناء نمود مثل این که با نگاه کردن به زن یا در نظر آوردن و

مانند این‌ها منی از او بیرون بیاید، کفاره بر او واجب می‌شود و بنابر اظهر حج و عمره‌اش فاسد نخواهد شد هر چند رعایت احتیاط بهتر است. یعنی آن‌ها را تکرار نماید.

۷- عقد نکاح

مسئله ۱۰۹) عقد ازدواج در حال احرام برای خود یا دیگری حرام است، خواه دیگری در حال احرام باشد یا از احرام بیرون آمده باشد و خواه عقد دائمی باشد یا موقت، که در تمامی این صورت‌ها عقد باطل خواهد بود.

مسئله ۱۱۰) هرگاه محرم یا غیر محرم، زنی را برای محرم عقد نماید و شوهر با آن زن نزدیکی کند و عقد کننده و شوهر بدانند که چنین عقدی در حال احرام حرام است، بر هر یک کفاره‌ی یک شتر واجب می‌شود. و هم‌چنین بر زن نیز کفاره واجب می‌شود اگر می‌دانسته که در حال احرام عقد ازدواج حرام است.

مسئله ۱۱۱) حاضر شدن در مجلس عقد و گواهی دادن بر آن بنابر قول مشهور بر محرم حرام است. و این قول موافق احتیاط است.

مسئله ۱۱۲) احوط این است که محرم خواستگاری نیز ننماید. بلی اگر زنی را قبلاً طلاق داده، رجوع به او عیبی ندارد.

۸- استعمال بوی خوش

مسأله ۱۱۳) استعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها، مشک، زعفران، گلاب، عود، و غیر آن خواه از طریق بوئیدن باشد یا مالیدن بر بدن و لباس یا پراکندن در فضای اطاق به وسیله اسپری یا خوردن غذاهای معطر، بر مرد و زن محرم حرام است. هم چنین بر محرم پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در او باشد حرام است بلکه احتیاط واجب اجتناب از هر بوی خوشی است.

مسأله ۱۱۴) خوردن میوه های خوش بو مانند سیب و به عیبی ندارد. ولی بنابر احتیاط از بوئیدن آنها هنگام خوردن باید خودداری شود.

مسأله ۱۱۵) بر محرم واجب نیست که هنگام سعی بین صفا و مروه در صورتی که عطرفروشی آن جا باشد، بینی خود را از بوی خوش ببندد. ولی احتیاط لازم این است که در غیر حال سعی، بینی خود را از هر بوی خوشی ببندد. و بوئیدن خلوق کعبه که یک نوع عطر است، عیبی ندارد.

مسأله ۱۱۶) هرگاه محرم مقداری بوی خوش در لباس و بدن و خوراک به عمد استعمال کند بنابر احتیاط کفاره اش یک گوسفند است.

مسأله ۱۱۷) بر محرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد. ولی تند رفتن از جهت خلاصی از بوی بد عیبی ندارد.

۹- پوشیدن لباس دوخته بر مردان

مسأله ۱۱۸) پوشیدن لباس هایی مانند پیراهن و قبا و شلوار و زیر پوش و جامه دگمه دار با بستن آن دگمه و هر جامه ای که آستین دار باشد که دست در او برود، بر مرد محرم حرام است. و احوط اجتناب از هر جامه دوخته، بلکه شبیه دوخته است، مانند نمدی که چوپانان آن را می پوشند. و پوشیدن همیان دوخته (کمر بندی که پول در او گذاشته می شود) جایز است. و همچنین استعمال فتق بند برای کسی که فتق دارد عیبی ندارد. و جایز است محرم هنگام خوابیدن، با لحاف و مانند آن از چیزهای دوخته به جز سر، تن خود را بپوشاند.

مسأله ۱۱۹) احوط این است که اِزار (لنگ) خویش را به گردن خود، بلکه مطلقاً گره نزنند، و لو بعض آن را به بعض دیگر. و چیزی

مانند سنجاق نیز در او فرو نبرد. و احوط این است که ردا نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در او عیبی ندارد.

مسأله ۱۲۰) پوشیدن لباس دوخته هر طور باشد، برای زنان عیبی ندارد، مگر پوشیدن دست کش که حرام است.

مسأله ۱۲۱) هر گاه محرم لباسی را که حرام است به عمد بپوشد، کفاره اش یک گوسفند است. و احوط لزوم کفاره است حتی در صورتی که ناچار به پوشیدن آن باشد.

۱۰- سرمه کشیدن

مسأله ۱۲۲) سرمه کشیدن چند صورت دارد:

- ۱- سرمه سیاه را به قصد زینت به چشم خود بکشد، که این کار به طور قطع بر محرم حرام است و کفاره اش استغفار است.
- ۲- آن که محرم سرمه سیاه را بکشد ولی به قصد زینت نباشد.
- ۳- محرم سرمه ای که استفاده می کند، سیاه نباشد و به قصد زینت بکشد. و احوط در این دو صورت اجتناب و کفاره اش استغفار است.
- ۴- آن که سرمه سیاه نباشد و شخص قصد زینت هم نداشته باشد، که این کار عیبی ندارد و کفاره هم ندارد.

۱۱- نگاه کردن در آئینه

مسأله ۱۲۳) نگاه کردن در آئینه بر محرم جهت زینت، حرام و کفاره‌اش استغفار است ولی اگر نگاه کردن برای زینت نباشد، مانند نگاه کردن راننده در آئینه خودرو که دو پهلو یا پشت سر خود را ببیند، عیبی ندارد. و مستحب است کسی که برای زینت در آئینه نگاه کرد، تلبیه را تجدید نماید. ولی نگاه کردن در اجسام صاف و صیقلی مانند آب و شیشه حرام نیست و کفاره ندارد.

۱۲- پوشیدن چکمه و جوراب

مسأله ۱۲۴) پوشیدن چکمه، کفش یا جوراب بر مرد محرم حرام است و کفاره‌اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است. ولی زن می‌تواند آن را بپوشد. و احوط نپوشیدن چیزی است که تمام روی پا را بپوشاند. و چنانچه برای مرد محرم نعلین و مانند آن فراهم نشد و ضرورت ایجاد کرد که چکمه، کفش یا جوراب بپوشد، احوط این است روی آن را بشکافد. و پوشاندن تمام روی پا بدون پوشیدن چیزی عیبی ندارد. مثل این که یک طرف رداء خود را بر آن در حال نشستن بیندازد.

۱۳- دروغ و دشنام و تفاخر

مسأله ۱۲۵) دروغ و دشنام در هر حال حرام است، ولی حرمتشان در حال احرام موکّد و شدیدتر است. و مراد از فسوق در آیه مبارکه «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» دروغ و دشنام است. اما مفاخرت یعنی اظهار فخر از حیث حسب و نسب که شخص محرم بگوید من چنین و چنانم و فامیل و پدرانم کیانند، دو صورت دارد:

اول: آن که برای اثبات فضیلت و برتری برای خود باشد و توهین به دیگری را در بر داشته باشد، این عمل فی نفسه حرام است.

دوم: آن که اثبات فضیلت برای خود باشد بدون این که به دیگری اهانت شود. و این عمل فی نفسه عیبی ندارد. ولیکن بنا بر احتیاط این گونه تفاخر در حال احرام باید ترک شود.

۱۴- جدال نمودن (قسم خوردن)

مسأله ۱۲۶) یکی از محرّمات احرام، جدال است و آن عبارت است از: قسم خوردن به خداوند متعال در مقام اثبات یا ابطال مطلبی، راست باشد یا دروغ، همراه با نزاع و ستیزه جویی باشد یا نباشد. هم- چنین مرد و زن محرم باید از قسم خوردن به خداوند به شکل های زیر پرهیز کنند:

۱. شکل های مختلف قسم خوردن به لفظ «الله» مانند: «والله» و «تالله».
۲. قسم خوردن به مرادف لفظ «الله» در زبان های دیگر مانند: «به خدا»
۳. بنابر احتیاط قسم خوردن به سایر اسماء مخصوص خداوند مانند: «بالرحمان»

مسأله ۱۲۷) دو مورد از حرمت جدال استثنا شده است:

اول: ضرورتی مانند اثبات حق یا از بین بردن باطلی اقتضای قسم خوردن کند، که در این صورت قسم خوردن حتی به دو کلمه مذکور عیبی ندارد.

دوم: مراد قسم خوردن نباشد، بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل این که بگوید تو را به خدا این کار را نکن و مانند آن. هم چنین قسم خوردن به غیر خداوند متعال و قسم هایی که بدون توجه از محرم صادر می شود مانند قسم های روزمره، اشکال ندارد.

مسأله ۱۲۸) در صورتی که جدال کننده در سخن خود راستگو باشد، کفاره ندارد، بلکه فقط باید استغفار نماید به شرطی که از دو مرتبه تجاوز ننموده باشد. و در غیر این صورت یک گوسفند کفاره دارد. و اما اگر جدال و قسم خوردن بر دورغ باشد، در همان مرتبه اول

یک گوسفند و برای مرتبه دوم، یک گوسفند دیگر و در مرتبه سوم یک گاو کفاره دارد.

۱۵- کشتن حشرات

مسأله ۱۲۹) کشتن حشرات و انداختن آن از بدن برای محرم جایز نیست. ولی جابجا کردن او عیبی ندارد. و در صورت کشتن احوط آن است که یک مشت از طعام به فقیری کفاره بدهد. اما پشه و کک در صورتی که ضرری متوجه محرم نشود احتیاط در نکشتن آنهاست. و اما راندن آنها ظاهراً جایز است، هر چند احوط ترک است.

۱۶- زینت نمودن

مسأله ۱۳۰) پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر محرم حرام است. ولی به قصد استحباب عیبی ندارد. بلکه زینت نمودن به هر چیز باشد بر محرم حرام است و کفاره اش یک مشت طعام است.

مسأله ۱۳۱) پوشیدن عینک بدون قصد زینت برای زن و مرد عیبی ندارد ولی بهتر نپوشیدن است.

مسأله ۱۳۲) حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود، بر محرم حرام است. هر چند خود قصد زینت ننموده باشد. بلی اگر زینت گفته نشود، عیبی ندارد. مثل این که جهت درمان و مانند آن باشد.

مسأله ۱۳۳) پوشیدن زیور برای زینت بر بانوان محرم حرام است. و زیوری که پیش از احرام عادت به پوشیدن آن داشته مستثنی است و می تواند آن را بپوشد. ولی نباید آن را به شوهر خود و دیگر مردان نشان دهد.

۱۲- مالیدن روغن به بدن

مسأله ۱۳۴) محرم نبایستی تن خود را روغن مالی کند، هر چند خوش بو هم نباشد، و صورت درمان و ضرورت استثنا شده است.

مسأله ۱۳۵) کفاره روغن مالی بنابر احتیاط در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است و اگر از روی نادانی باشد، کفاره اش اطعام یک فقیر است.

۱۸- جدا نمودن مو از بدن

مسأله ۱۳۶) محرم نایستی موی خود یا دیگری را از بدن به هر شکل -تراشیدن، سوزاندن یا کندن- جدا کند، خواه دیگری محرم باشد یا محل مرد باشد یا زن. از این حکم چهار مورد استثنا شده است: **اول:** محرم توسط حشرات مورد اذیت قرار بگیرد مانند آن که شپش بدن محرم زیاد شود.

دوم: ضرورت ایجاب کند که موی بدن جدا شود، مانند آن که بلندی موی و زیادیش باعث سردرد یا ناراحتی دیگر شود.

سوم: مو در پلک چشم روییده باشد که محرم را ناراحت کند.

چهارم: مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود.

که در این چهار صورت جدا شدن مو عیبی ندارد.

مسأله ۱۳۷) اگر محرم بدون ضرورت سر خود را بتراشد، كفاره اش يك گوسفند است، و چنان چه به ایجاب ضرورت سر خود را بتراشد، كفاره اش يك گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش مسکین که به هر يك دو مد (يك كيلو و نیم) بدهد. و اگر موی زیر هر دو بغل خود را جدا کند، كفاره اش يك گوسفند است. و اگر موی يك طرف را جدا کند باید بر سه مسکین به هر کدام ۷۵۰ گرم طعام بدهد. و چنان چه

موی ریش خود یا غیر آن را جدا کند، بایستی یک مشت طعام به فقیر کفاره بدهد. و چنان چه سر دیگری را چه محرم و چه محل باشد بتراشد، کفاره ندارد.

مسأله ۱۳۸) اگر محرم سر یا بدن خود را به طوری که مویی از او نیفتد و خونی نشود بخاراند عیبی ندارد. و چنان چه دست به سر یا ریش خود کشیده و یک مو یا بیشتر از آن بیفتد، یک مشت طعام صدقه بدهد.

۱۹- پوشانیدن سر بر مردان

مسأله ۱۳۹) مرد محرم نبایستی تمام یا قسمتی از سر خود را با هر چیزی که باشد حتی با گل بپوشاند. بلکه بنابر احتیاط نبایستی چیزی روی سر خود حمل کند. بلی انداختن بند مشک بر سر یا بستن دستمال و مانند آن به جهت سردرد عیبی ندارد. هم چنین پوشاندن گوش ها نیز جایز نیست.

مسأله ۱۴۰) پوشانیدن سر به قسمتی از بدن مثل دست جایز و ترک آن بهتر است.

مسأله ۱۴۱) محرم نبایستی در آب و مانند آن فرو رود که سرش زیر آب شود بنابر احتیاط. و ظاهراً مرد و زن در این حکم فرقی با هم ندارند.

مسأله ۱۴۲) هرگاه محرم سر خود را پوشانید، بنابر احتیاط کفاره‌اش یک گوسفند است. و ظاهراً در موارد اضطرار کفاره واجب نیست.

۲۰- پوشانیدن رو بر زنان

مسأله ۱۴۳) بنابر احتیاط بانوان نبایستی در حال احرام صورت خود را به پوشیه یا نقاب و مانند آن بپوشانند. هم‌چنان که احتیاط این است که قسمتی از روی خود را نیز نپوشانند. بلی پوشاندن صورت در حال خواب و پوشاندن قسمتی از رو به عنوان مقدمه برای پوشاندن سر در حال نماز، عیبی ندارد. و احتیاط این است که پس از فراغت از نماز آن را بردارد.

مسأله ۱۴۴) بانوان محرم می‌توانند از مرد اجنبی رو بگیرند، به این صورت که گوشه چادر یا عبا و مانند آن را که بر سر دارند، تا مقابل بینی یا چانه خود پایین بکشند. و احتیاط این است که قسمت پایین آمده را به وسیله دست یا چیز دیگر از صورت خود دور نگه دارند.

مسأله ۱۴۵) کفّاره پوشانیدن صورت بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

۲۱- زیر سایه رفتن مردان

مسأله ۱۴۶) مردان محرم هنگام حرکت نبایستی زیر سایه متحرک رفته یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرند، هر چند سایه سقف محمل یا ماشین یا هواپیما و مانند این‌ها باشد. ولی راه رفتن در سایه کوه یا دیوار یا درخت و امثال آن‌ها از اجسامی که ثابت باشد، اشکالی ندارد. و نیز جایز است راه رفتن زیر ابری که مانع از تابش آفتاب است. و فرقی در حرمت زیر سایه قرار گرفتن در موارد محرّمه میان این‌که پیاده باشند یا سواره نیست و احوط این است که زیر سایه چیزی که روی سر نباشد نیز نرود، مثل این‌که بغل شتر یا ماشین حرکت کند که سایه از طرف چپ یا راستش بر او بیفتد. بلی می‌تواند با دست خود جلو آفتاب را بگیرد. و هم‌چنین احرام زیر سقف مسجد شجره عیبی ندارد.

مسأله ۱۴۷) مراد از زیر سایه رفتن که حرام است این است که بدان وسیله از آفتاب یا سرما یا گرما یا باران و مانند این‌ها جلوگیری کند. و چنان‌چه هیچ یک از این‌ها نباشد، به طوری که بود و نبود

سایبان یکسان باشد، عیبی ندارد. البته عدم جواز در شب بنابر احتیاط است.

مسأله ۱۴۸) حرمت زیر سایه رفتن، مخصوص حال حرکت است، پس اگر محرم در جایی توقف کند، خواه آنجا را منزل خود قرار دهد یا ندهد، مانند آن که در وسط راه جهت استراحت یا دیدار دوستان یا غیر اینها، توقف کند، اشکالی ندارد که سایه‌ای بالای سر خود قرار دهد. اما پس از پیاده شدن و منزل خود قرار دادن جایی، اگر محرم بخواهد جهت انجام کارهایش به این جا و آن جا برود، مانند این که در مکه منزل کند، و بخواهد جهت انجام طواف و سعی به مسجد الحرام برود، و یا به منزل خود در منی وارد شود و بخواهد به قربانگاه یا جمرات برود، حکم به جواز سایه قرار دادن بالای سر خود، چه به وسیله چتر و یا سوار شدن ماشین سقف دار، خیلی مشکل است و احتیاط نباید ترک شود.

مسأله ۱۴۹) زیر سایه رفتن زنان و کودکان و هم‌چنین مردان در حال ضرورت یا ترس از گرما و سرما عیبی ندارد.

مسأله ۱۵۰) کفّاره زیر سایه رفتن یک گوسفند است و فرقی بین حال اختیار و اضطرار نیست. و چنانچه این عمل تکرار شود، احتیاط

این است که عوض هر روز یک کفاره بدهد، هر چند اظهر این است که در هر احرام یک کفاره کافی است.

۲۲- بیرون آوردن خون از بدن

مسأله ۱۵۱) شخص محرم بنابر احتیاط نایستی از بدن خود به وسیله خاراندن و مسواک نمودن و امثال آن خون در بیاورد. و در حال ضرورت یا رفع ناراحتی عیبی ندارد. و کفاره‌اش بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

۲۳- ناخن گرفتن

مسأله ۱۵۲) محرم نایستی تمامی یا قسمتی از ناخن خود را بگیرد مگر در صورتی که بقای ناخن ضرر داشته باشد، مانند این که ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی شود، که در این صورت بریدنش جایز است و برای هر ناخنی یک مشت طعام کفاره بدهد.

مسأله ۱۵۳) کفاره گرفتن هر ناخنی یک مُد طعام است، و کفاره گرفتن ناخن‌های دست در یک مجلس یک گوسفند است. حکم گرفتن ناخن‌های پا همانند دست است. و چنانچه گرفتن ناخن دست و پا در یک مجلس باشد، کفاره‌اش نیز یک گوسفند است. و چنانچه

ناخن دست‌ها در یک مجلس و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفّاره آن دو گوسفند است.

مسأله ۱۵۴) اگر محرم به استناد فتوای کسی که از روی اشتباه فتوا به جواز ناخن گرفتن داده است، ناخن خود را گرفت و خون در آمد، کفّاره‌اش بنابر احتیاط بر فتوا دهنده است.

۲۴- دندان کردن

مسأله ۱۵۵) جمعی از فقها نظرشان این است که دندان دندان هر چند خون در نیاید، از محرّمات احرام است و کفّاره‌اش را یک گوسفند دانسته‌اند، و این قول موافق احتیاط است.

۲۵- برداشتن سلاح

مسأله ۱۵۶) برداشتن سلاح و چیزهایی که در عرف به آن‌ها سلاح گفته می‌شود، بر محرم حرام است. و بعضی از فقها آلات دفاع و حفظ، مانند کلاه خود و زره و سپر را سلاح خوانده‌اند. و این قول موافق احتیاط است.

مسأله ۱۵۷) بودن سلاح نزد محرم اگر حملش نکند، عیبی ندارد. ولی با این حال ترکش احوط است. یعنی بنابر احتیاط سلاح را نزد خود نگذارد.

مسأله ۱۵۸) حرمت حمل سلاح مختص به حال اختیار است و در حال اضطرار عیبی ندارد. و کفّاره حمل سلاح استغفار است.

احکام حرم

تا این جا بیست و پنج چیزی که بر محرم حرام است، بیان شد. و دومورد دیگر هست که بر محرم و مُحَلِّ حرام است:

۱- شکار در حرم

مسأله ۱۵۹) شکار در حرم بر محرم و غیر محرم، بر زن و مرد حرام است چنان که قبلاً بیان شد.

۲- کندن درخت و گیاه حرم

مسأله ۱۶۰) کندن و بریدن هر چیزی که در حرم روییده از درخت و غیر درخت و گیاه بر محرم و غیر محرم حرام است. اما چیزی که به راه رفتن متعارف کنده شود، عیبی ندارد. هم چنان که رها کردن حیوانات که از علف حرم بچرند اشکالی ندارد. و از این حکم چند چیز استثنا شده است:

۱- اذخر که گیاه معروفی است.

۲- نخل خرما و درخت میوه دار.

۳- علف هایی که خوراک شتر است.

۴- علف و درختی که در ملک یا خانه شخص می‌روید یا شخص آن را می‌کارد. (کندن و بریدن این چهار چیز عیبی ندارد). و اما درختی که در منزل پیش از تملک منزل بوده، حکمش حکم سایر درخت‌هاست و کندنش حرام است.

مسأله ۱۶۱) درختی که ریشه و ساقه‌اش در حرم و شاخ و برگش در خارج حرم یا به عکس باشد، حکمش حکم درختی است که تمامش در حرم باشد.

مسأله ۱۶۲) کفّاره کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت است. و کفّاره قطع مقداری از آن، قیمت همان مقدار است. و کندن علف یا قطع آن کفّاره ندارد.

جای کشتن کفّارات

مسأله ۱۶۳) جای کشتن کفّاره شکار در احرام عمره، مکه مکرمه است و در احرام حج، منی است.

مسأله ۱۶۴) و اگر کفّاره‌ای بر محرم واجب شد و آن را به جهت عذری یا بدون عذر در مکه یا منی نکشت می‌تواند در وطن خود یا در هر جا که خواست، بکشد.

مصرف کفّارات

کفّاراتی که بر محرم واجب شده باید آن‌ها را به فقرا و مستمندان صدقه بدهد و احتیاط این است که خود کفّاره دهنده از آن نخورد و اگر خورد احتیاط این است که قیمت مقداری را که خورده، به فقرا صدقه دهد.

اعمال عمره مفرده

همان گونه که گفته شد اعمال عمره مفرده هفت چیز است.

احرام

اولین واجب در عمره مفرده، احرام در یکی از میقات‌ها یا ادنی الحلّ می‌باشد که مسائل آن گفته شد.

طواف

دومین واجب عمره مفرده، طواف است. و به ترک آن از روی عمد، چه حکم یا موضوع را بدانند یا ندانند عمره فاسد می‌شود.

شرایط طواف

در طواف چند چیز شرط است:

اول: نیت، که طواف بدون قصد قربت باطل است.

دوم: طهارت، از حدّ اکبر و اصغر، پس چنانچه از روی عمد یا نادانی یا فراموشی در حال حدّ و بدون طهارت طواف نماید، طوافش صحیح نخواهد بود ولی در بجه غیر ممیز طهارت از حدّ و خبث شرط نیست.

مسأله ۱۶۵) اگر از محرم در اثنای طواف حدثی سر زد، مسأله چند صورت خواهد داشت:

۱- حدث پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، که در این صورت طواف باطل و لازم است پس از طهارت تکرار شود.

۲- حدث بعد از تمام شدن دور چهارم و بدون اختیار باشد، که در این صورت طواف را قطع نموده و طهارت گرفته و طواف را از همان جا که قطع نموده، ادامه می دهد.

۳- حدث بعد از نصف و پیش از تمام شدن دور چهارم طواف، یا بعد از تمام شدن دور چهارم و اختیاری باشد، که احوط در این دو صورت این است که طواف خود را پس از طهارت از جایی که قطع نموده تمام کرده نمازش را بخواند سپس تکرارش نماید.

مسأله ۱۶۶) چنانچه پیش از شروع به طواف یا در اثنای آن شک در طهارت بنماید، اگر بداند که قبلاً با طهارت بوده و نمی داند بعداً از او حدثی سرزده یا نه، باید در این صورت اعتنا به شک خود نکند. و اگر نداند که قبلاً با طهارت بوده یا نه، باید طهارت گرفته و شروع به طواف کند یا طوافی که در دست داشته از سر بگیرد.

مسأله ۱۶۷) هر گاه پس از فراغت از طواف، شک در طهارت نماید به شک خود اعتنا نکند، هر چند احوط تکرار است. ولی برای نماز طواف باید وضو بگیرد.

مسأله ۱۶۸) هر گاه مکلف نتواند وضو بگیرد باید تیمم نموده و طواف را به جا آورد. و اگر تیمم هم نمی تواند بکند، حکمش حکم کسی است که نمی تواند طواف را به جا آورد. پس اگر مأیوس از توانایی شد، لازم است برای طواف نایب بگیرد، و احوط این است که خود نیز بدون طهارت طواف نماید.

مسأله ۱۶۹) جنب و زن حائض و نفساء (زائو) بعد از گذشتن ایام حیض و نفاس واجب است که برای طواف غسل کنند، و در صورت معذور بودن و مأیوس شدن از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کنند. و احوط و اولی این است که نایب نیز بگیرند. و در صورت معذور بودن از تیمم، نایب گرفتن متعین است.

مسأله ۱۷۰) هر گاه بانوان پس از بستن احرام یا هنگام بستن احرام برای عمره خون حیض بینند و وقت کافی برای به جا آوردن اعمال عمره را داشته باشند، بایستی صبر کنند تا پاک شوند و غسل نمایند و اعمال عمره را به جا آورند. و چنانچه فرصت این کار را نداشته باشند،

باید برای طواف‌ها و نماز آن‌ها نایب بگیرند و سعی و تقصیر را خودشان انجام دهند.

مسئله ۱۷۱) اگر زن مُحرم هنگام انجام طواف، عادت ماهانه ببیند اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و حکمش همان است که در مسئله قبل گفته شد و اگر بعد از آن باشد، مقداری که انجام داده صحیح است و باقی آن را باید پس از روزه‌های عادت و انجام غسل به‌جا آورد و احتیاط مستحب تکرار آن پس از اتمام طواف اول و نماز آن است.

مسئله ۱۷۲) هرگاه زن بین طواف و نمازش، حائض شود، طوافش صحیح است و نماز طواف را پس از پاکی و غسل به‌جا آورد.

مسئله ۱۷۳) هرگاه زنی پس از طواف و نمازش احساس نماید که حائض شده و نداند که پیش از طواف یا پیش از نماز یا در اثنا یا بعد از نماز رخ داده، در این صورت بنا را بر صحت طواف و نماز بگذارد. و چنان‌چه بداند که قبل از نماز حادث شده و وقتش هم تنگ باشد، سعی و تقصیر نموده و نماز را تا پس از پاکی تأخیر بیندازد که در این حالت عمره‌اش صحیح است.

مسئله ۱۷۴) طواف مستحبی را می‌توان بدون طهارت به جا آورد و طهارت در آن لازم نیست ولی نماز طواف مستحبی بدون طهارت صحیح نخواهد بود و باید با طهارت باشد.

مسئله ۱۷۵) کسی که معذور از طهارت تمام (وضو یا غسل) است، مانند کسی که در دست یا پایش شکستگی و زخم است که پانسمان شده یا کسی که مرضی دارد که بولش قطره قطره می‌ریزد، به همان دستوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است. و اما مبطلون (کسی که نمی‌تواند از غایط خودداری کند) احوط این است که در صورت توانایی، هم خودش طواف نماید و هم برای طواف نایب بگیرد. و اما در مورد زن مستحاضه ظاهر این است که اگر به وظیفه خود عمل نماید، طوافش صحیح است.

سوم: طهارت از خبث است یعنی پاکی بدن و لباس. پس طواف با بدن یا لباس نجس صحیح نیست. و نجاستی که در نماز بخشوده بود، مانند خون کمتر از درهم، در طواف بنا بر احتیاط بخشوده نیست.

مسئله ۱۷۶) بودن خون و خونابه زخم و دمل که پرهیز از آن سخت باشد، در بدن یا لباس در طواف مانعی ندارد و بر طرف

اعمال عمره مفرده ۶۹

کردنش لازم نیست. هم چنین که بودن چیز نجس همراه انسان در طواف و نجس بودن چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی شود مانند شال، کلاه و جوراب، عیبی ندارد.

مسأله ۱۷۷) هر گاه شخصی نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و پس از انجام طواف بفهمد، طوافش صحیح است و نیازی به تکرار ندارد، و هم چنین در نماز طواف اگر نمی دانسته بدن یا لباسش نجس بوده و پس از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

مسأله ۱۷۸) هرگاه شخص، نجاست بدن یا لباس خود را فراموش کند و با آن حال طواف نماید و پس از طواف یادش بیاید؛ طوافش بنابر اظهر صحیح است، اگر چه تکرار آن با لباس پاک احوط است. و چنانچه پس از نماز طواف یادش بیاید که بدن و لباسش نجس بوده، باید با بدن و لباس پاک نمازش را تکرار نماید.

مسأله ۱۷۹) هرگاه شخص نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و در اثنای طواف آگاه شد یا آن که پیش از فراغت از طواف بدن یا لباسش نجس شد، اگر جامه پاکی داشته باشد همان جا جامه نجس را کنده و با جامه پاک طواف خود را تمام نماید. و چنانچه جامه پاک همراه نداشته باشد، اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط

چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازاله نجاست از بدن یا لباس باقیمانده طواف را به جا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را ازاله نموده و بنابر احتیاط، طوافش را کامل نموده و نمازش را بخواند سپس طواف را تکرار نماید.

چهارم: مختون بودن مرد است. و احوط، بلکه اظهر این است که بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می دهد، باید ختنه شده باشد. و اما اگر بچه ممیز نباشد، ختنان در او معتبر نیست، اگر چه اعتبارش احوط است.

مسأله ۱۸۰) هر گاه محرم ختنه نشده خواه بالغ خواه بچه ممیز، طواف نماید، طوافش کافی نخواهد بود. و اگر طواف را بعد از ختنه شدن تکرار نکند، مانند کسی خواهد بود که طواف را ترک کرده باشد. و احکام آینده بر وی جاری خواهد شد.

پنجم: پوشاندن عورت است بنابر احتیاط. و پوشش بایستی مباح باشد. و احتیاط این است که پوشش دارای تمامی شرایط لباس نماز گزار باشد.

واجبات طواف

هفت چیز در طواف واجب است:

اول: طواف از حجرالأسود شروع شود، و احتیاط مستحب این است که تمام بدن خود را بر تمام حجرالأسود بگذرانند. و کافی است که قبل از حجرالأسود ایستاده و نیت نماید که طواف را از جایی که محاذات حجرالأسود باشد، به جا می آورم و زیاده بر آن از باب مقدمه علمیه می باشد. یعنی انسان وقتی جلوتر از حجرالأسود شروع کرد، علم پیدا می کند که اولین جزء طوافش با اولین جزء حجرالأسود محاذی و برابر شده است.

دوم: هر دوری به حجرالأسود ختم شود. و در دور آخر احتیاطاً قدری از حجرالأسود بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه حساب کند.

سوم: کعبه (خانه خدا) را در تمام طواف؛ طرف چپ خود قرار دهد و چنانچه به جهت بوسیدن ارکان یا به جهت ازدحام، کعبه رو به رو یا پشت سر یا طرف راست قرار گرفت، آن مقدار از طواف شمرده نمی شود. ظاهر این است که میزان در قرار دادن طرف چپ بدن به سمت کعبه، عرف می باشد. بهتر این است در دو دهانه ی حجر

اسماعیل و در نبش‌های خانه‌ی خدا دقت بیشتری داشته باشد که به چپ یا راست منحرف نگردد.

چهارم: حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، به این معنا که دور حجر اسماعیل بگردد و داخل حجر نرود.

پنجم: طواف کننده از بیرون دور خانه خدا دور بزند نه دورن خانه‌ی خدا، و دور تا دور خانه‌ی خدا شیب وجود دارد که به آن شاذروان می‌گویند و نایستی طواف کننده روی آن راه برود.

ششم: هفت دور متوالی و پی درپی دور خانه خدا بچرخد و کمتر از هفت دور کافی نیست. و به عمد بیش از هفت دور طواف را باطل می‌کند. چنان که خواهد آمد.

هفتم: طواف باید بین مقام ابراهیم علیه السلام و خانه‌ی خدا باشد. یعنی از هر طرف این مسافت در نظر گرفته شود و مسافت آن تقریباً سیزده متر اندازه‌گیری شده است و نظر به این که حجر اسماعیل داخل مطاف است و آن تقریباً ده متر است پس در طرف آن بیش از سه متر نباید دور شد و در صورتی که عرفاً ممکن نباشد می‌توان دورتر از این مسافت طواف نمود با فاصله‌ای که طواف به دور خانه صدق بکند.

احکام متفرقه طواف

مسئله ۱۸۱) هر گاه طواف کننده از مطاف بیرون رفته و وارد کعبه شود. طوافش باطل و اعاده آن لازم است و اگر بیرون رفتنش پس از شوط چهارم باشد بهتر این است که طواف خود را تمام نموده نمازش را بخواند سپس تکرار نماید.

مسئله ۱۸۲) چنانچه هنگام طواف روی شاذروان رفت آن مقدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک نموده و طواف خود را تمام نموده نمازش را بخواند و سپس طواف را دوباره انجام دهد. و احتیاط این است که هنگام طواف دست خود را از طرف شاذروان به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز ننماید.

مسئله ۱۸۳) هر گاه طواف کننده در شوطی، وارد حجر اسماعیل شود، آن دور باطل و لازم است تکرار شود. و بهتر این است که طواف را تمام نموده و پس از خواندن نماز آن تکرار نماید. هم چنین بنابر احتیاط بالا رفتن از دیوار حجر حکم وارد شدن در حجر را دارد.

بلکه احوط این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر هم نگذارد.

مسئله ۱۸۴) هر گاه طواف کننده پیش از اتمام شوط چهارم بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود، طوافش باطل و تکرارش لازم است و چنانچه موالات فوت نشود یا خروجش پس از گذشتن نیمی از طواف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده نمازش را بخواند سپس تکرار کند.

مسئله ۱۸۵) چنانچه در اثنای طواف حدثی از او سر بزند، جایز است بیرون رفته و تطهیر نماید و سپس برگشته و طواف خود را تمام نماید. و هم چنین بیرون رفتن از طواف برای بر طرف نمودن نجاست از بدن یا لباس همین حکم را دارد و اگر زنی در اثنای طواف حائض شود واجب است طواف را قطع نموده و فوراً از مسجد بیرون برود و حکم چنین افرادی در شرایط طواف بیان شد.

مسئله ۱۸۶) اگر طواف کننده در طواف واجب به علت مرضی یا انجام کاری برای خود یا دیگری طواف را قطع کند. چنانچه پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد ظاهر این است که باطل و لازم است آن را دوباره انجام دهد و اگر بعد از آن باشد، اظهر صحیح بودن آن است

و بنابراین پس از برگشتن طواف را از جایی که قطع نموده به اتمام برساند و احتیاط مستحب این است که پس از اتمام آن نمازش را بخواند و دوباره آن را انجام دهد و اما در طواف مستحبی جایز است آن را از جایی که قطع نموده به اتمام برساند اگرچه پیش از شوط چهارم بوده باشد چه قطع آن به علت‌های یاد شده باشد یا غیر آن‌ها.

مسئله ۱۸۷) اگر طواف کننده جهت رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب و یا رسیدن به نماز جماعت و یا جهت خواندن نماز مستحبی که وقتش تنگ شده باشد طواف را قطع کرد جایز است آن را پس از تمام شدن نماز از جایی که قطع کرده به اتمام برساند. چه پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد و چه بعد از آن، چه طواف واجب باشد یا مستحب. بلی در صورتی که پیش از تمام شدن شوط چهارم طواف واجب، آن را قطع کرده باشد، احوط این است که پس از اتمام، نمازش را بخواند و آن را دوباره انجام دهد.

مسئله ۱۸۸) نشستن در اثنای طواف جهت استراحت و رفع خستگی جایز است ولی باید به اندازه‌ای نباشد که موالات عرفیه از بین برود و گرنه طوافش باطل شده و لازم است از سر بگیرد.

نقص در طواف

مسأله ۱۸۹) هرگاه به عمد مقداری از طواف را کم کند و موالات فوت شود، طوافش باطل خواهد بود و چنانچه موالات فوت نشود، تا از مطاف بیرون نرفته می‌تواند کمبود را به‌جا آورد. و حکم بیرون رفتن عمدی از مطاف در گذشته بیان شد.

مسأله ۱۹۰) در صورتی که از روی اشتباه یا فراموشی بعضی از شوط‌های طواف یا قسمتی از یک شوط را انجام نداده باشد، چنانچه پیش از این که صدق عرفی پی در پی بودن آن از بین برود، بیادش آمد باقی مانده آن را به‌جا آورد طوافش صحیح است، و اگر پس از آن باشد در صورتی که مقدار فراموش شده یک یا دو یا سه شوط باشد، آن را به‌جا آورد طوافش صحیح است و اگر نتواند یا مشقت داشته باشد، باقی مانده را خود به‌جا آورد اگر چه به این علت باشد که کمبود طواف پس از برگشت به وطن یادش آمده دیگری را نایب خود جهت به‌جا آوردن آن قرار دهد. و در صورتی که مقدار فراموش شده بیش از سه شوط باشد، بنابر احتیاط باقی مانده را به‌جا آورد و

نمازش را بخواند و دوباره آن را انجام دهد، و در صورت عدم امکان
نایب بگیرد.

زیادی در طواف

مسئله ۱۹۱) زیادی عمدی در طواف چه یک دور باشد یا بیشتر و یا کمتر سه صورت دارد:

اول: شوط اضافی را به قصد این که جزو طواف باشد، انجام ندهد. که این دور اضافه ضرری به طواف نمی‌رساند.

دوم: شوط اضافی را جزو طواف دوم قرار دهد و طواف دوم را هم تمام نماید. اگر از ابتدای طواف اول یا در اثنای آن چنین قصدی داشته باشد حرام و مبطل طواف است و اگر بعد از تمام شدن طواف اول چنین قصدی بنماید بنابر احتیاط واجب طوافش باطل است.

سوم: در دور اضافی قصد جزئیت برای طوافی که کرده است، بنماید. اگر از اول این قصد را داشته، تمام طواف باطل است و هم چنین اگر در بین طواف یا بعد از تمام شدن این قصد را بنماید بنابر احتیاط واجب باطل می‌شود.

مسئله ۱۹۲) هرگاه طواف خود را از روی سهو بیش از هفت شوط نماید، چنانچه زیادی طواف کمتر از یک شوط باشد آن را قطع نماید و طوافش صحیح است و چنانچه زیادی یک شوط یا بیشتر

باشد احتیاط این است که باقی آن را تا یک طواف کامل شود به قصد
قربت مطلقه تمام نماید.

شک در عدد شوط‌ها

مسئله ۱۹۳) هرگاه شخصی بعد از اتمام طواف و گذشتن از محل آن شک نماید که آیا طوافش هفت شوط یا کمتر یا بیش تر بوده اعتنا به شک ننماید مانند کسی که بعد از شروع به نماز طواف چنین شکی بکند.

مسئله ۱۹۴) هرگاه حاجی یقین داشته باشد که هفت شوط به جا آورده و شک کند که زیادتر بوده یا نه مثلاً احتمال بدهد که شوط آخری هشتم بوده، به شک خود اعتنا ننماید و طوافش صحیح است، مگر در صورتی که شکش قبل از تمامی شوط آخری باشد که در این صورت ظاهر این است که طوافش باطل می شود و احتیاط این است که به قصد رجا تمامش نموده و نمازش را بخواند سپس طواف را تکرار کند.

مسئله ۱۹۵) هرگاه شخصی بین شش و هفت یا پنج و شش و هم چنین عددهای قبل شک کند، حکم به بطلان طواف می شود و هم- چنین اگر شک کند که آیا شش شوط به جا آورده یا هشت شوط که

نداند شوط آخر ششم است یا هشتم، که در این صورت طوافش باطل خواهد بود.

مسأله ۱۹۶) اگر برای شخص شک بین شش و هفت حاصل شود و بنا را به علت ندانستن حکم شرعی بر شش بگذارد و طواف را تمام کند و این ندانستن ادامه داشته باشد تا زمانی که وقت تدارک بگذرد مثل این که به وطنش برگردد، بعید نیست که طوافش صحیح باشد.

مسأله ۱۹۷) طواف کننده می تواند بر همراه خود در حفظ شماره شوط ها اعتماد کند در صورتی که همراهش یقین داشته باشد مثلاً در صورت شک اگر همراه انسان بگوید این شوط پنجم است می شود بر گفته او اعتماد نموده و دو شوط دیگر به جا آورد.

مسأله ۱۹۸) هرگاه در طواف مستحبی شک نماید بنا را بر کمتر بگذارد و طوافش صحیح است.

مسأله ۱۹۹) هرگاه شخص طواف را فراموش نموده و زمانی یادش آمد که قضایش ممکن است، با همان احرام اوّل قضایش نماید و نیازی به تجدید احرام نیست. بلی در صورتی که از مکه خارج شد و یک ماه یا بیش تر بر آن گذشته باشد، لازم است برای داخل شدن به

مکه احرام تازه ببندد و در هر صورت بنابر احتیاط لازم پس از اعاده طواف و نماز آن سعی را نیز اعاده نماید.

مسأله ۲۰۰) آن چه بر طواف کننده حلال می شود، بفراموش کننده طواف تا آن را شخصاً یا نایبش قضا ننموده، حلال نمی شود.

مسأله ۲۰۱) هرگاه جهت بیماری یا شکستگی و مانند این ها شخصاً نتواند طواف را به جا آورد، لازم است به کمک دیگری طواف را به جا آورد، هر چند به سوار شدن بر دوش او باشد. و چنان چه با کمک دیگری نیز نتواند طواف کند، واجب است نایب بگیرد که به جای او طواف کند. و هم چنین در نماز طواف که شخص باید خودش به جا آورد و در صورت نتوانستن دیگری را نایب بگیرد. و حکم زن حائض و نفساء (زائو) در شرایط طواف بیان شد.

نماز طواف

سومین واجب از واجبات عمره دو رکعت نماز طواف است که مانند نماز صبح است، ولی مکلف مخیر است که آن را بلند یا آهسته بخواند، و واجب است در نزدیکی مقام ابراهیم به جا آورده شود. و احوط، بلکه اظهر این است که پشت مقام باشد، و در صورت عدم امکان در نزدیکترین جای ممکن که عرفاً پشت مقام گفته شود به جا آورد. و این حکم نماز طواف واجب است و نماز طواف مستحب، در هر جای مسجد باشد، جایز است.

مسئله ۲۰۲) کسی که از روی علم و عمد نماز طواف را به جا نیاورده، بنابر احتیاط عمره اش باطل است. زیرا که بدون این نماز، سعی باطل خواهد بود.

مسئله ۲۰۳) نماز طواف بایستی بعد از طواف فوراً به جا آورده شود که در عرف نگیند بین طواف و نماز فاصله شده است.

مسئله ۲۰۴) هر گاه شخص فراموش کرد نماز طواف را بخواند و بعد از سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، فوراً نماز طواف را بخواند و تکرار سعی واجب نیست اگر چه احوط است. و چنانچه در

اثنای سعی یادش بیاید، سعی را قطع و نماز طواف را در جایی که گفته شد، به جا آورده سپس سعی را از جایی که قطع کرده تمام نماید. و چنانچه بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده، بایستی به مکه برگشته و نماز را در جایی که گفته شد، به جا آورد. و در صورتی که نتواند به مکه برگردد هر جا که یادش آمد به جا آورد. بلی اگر بتواند به حرم برگردد احتیاط مستحب این است که برگشته و نماز را در حرم به جا آورد. و حکم کسی که نماز طواف را به علت ندانستن مسأله ترک کرده، حکم کسی است که فراموشش کرده. و فرقی بین جاهل قاصر و مقصر در این جا نیست.

مسأله ۲۰۵) هرگاه شخص نماز طواف را فراموش کند و بمیرد، بر ولی اش واجب است آن را قضا نماید.

مسأله ۲۰۶) هرگاه قرائت نماز گزار غلطی داشته باشد، در صورتی که نتواند آن را درست کند اشکالی در اکتفای به آن چه می تواند، در نماز طواف و غیر آن نیست و همان اندازه کافی است، و چنانچه می تواند آن را درست کند، لازم است تصحیح نماید. و چنانچه در این کار اهمال و سهل انگاری کرد تا وقت تنگ شد، احوط این است که به اندازه ای که می تواند نماز طواف را به جا آورد و نایب نیز بگیرد.

سعی

چهارمین واجب از واجبات عمره سعی بین صفا و مروه است. و خود یکی از ارکان است که اگر عمداً ترک شود، عمره باطل خواهد بود، خواه علم به حکم داشته یا جاهل به حکم باشد. و قصد قربت در سعی معتبر است. ولی ستر عورت و طهارت از حدّث یا خبث در آن معتبر نیست. بلی بهتر این است که طهارت رعایت شود.

مسأله ۲۰۷) سعی باید بعد از طواف و نماز آن به جا آورده شود. و اگر پیش از طواف یا نماز آن به جا آورده شود، لازم است بعد از آن-ها تکرار شود. و حکم کسی که طواف را فراموش کند و بعد از سعی یادش بیاید، پیشتر گفته شد.

مسأله ۲۰۸) نیت در سعی معتبر است به این معنی که اگر در عمره است، به نیت عمره و اگر در حج است، به نیت حج قربۀاً الی الله به جا آورده شود.

معنای سعی

رفت و آمد بین صفا و مروه را سعی گویند. صفا در یک طرف و مروه در طرف دیگر قرار دارد و تمام سعی هفت شوط است. بنابراین سعی از صفا شروع و در شوط هفتم به مروه ختم می شود. و احتیاط لازم در این است که موالات (پی در پی بودن) را مراعات کند. به طوری که فاصله قابل اعتنایی، در بین شوطها حاصل نشود. و وقتی حاجی بخواهد از مسجدالحرام به سعی برود، صفا طرف دست راستش قرار می گیرد.

مسأله ۲۰۹) هرگاه حاجی سعی را از مروه شروع کند، اگر یک شوط به جا آورده یعنی از مروه به صفا رسیده، باید آن را لغو دانسته و از صفا شروع نماید، و چنانچه بعد از شوط اول باشد، مثل این که در بین راه صفا و مروه در شوط دوم باشد، بنابر احتیاط آن را نیز لغو نموده و سعی را از صفا از سر بگیرد.

مسأله ۲۱۰) لازم نیست رفت و آمد (سعی) بین صفا و مروه، پیاده باشد. بنابراین سعی سواره بر حیوان یا دوش انسان یا چرخ‌هایی که

فعلاً در آنجا متداول است، جایز است. ولی در هر حال باید ابتدایش از صفا و ختم به مروه باشد.

مسأله ۲۱۱) لازم است رفت و آمد بین صفا و مروه از راه متعارف باشد، و اگر از صفا، داخل مسجد یا راه دیگری به سوی مروه برود کافی نیست. ولی انجام آن در سعی در صورتی که عرفاً بین صفا و مروه باشد، جایز است، و لازم نیست سعی در یک خط مستقیم باشد.

مسأله ۲۱۲) واجب است هنگام توجه به مروه آن را روبه روی خود قرار دهد. و هم‌چنین در بازگشت از مروه به صفا، باید متوجه به صفا باشد. پس اگر هنگام سعی به طور عقب گرد برود، کفایت نمی‌کند. ولی التفات به طرف راست و چپ و پشت سر، هنگام سعی عیبی ندارد. هم‌چنان که در بالای صفا و مروه عقب عقب رفتن اشکالی ندارد.

مسأله ۲۱۳) نشستن روی صفا یا مروه یا در بین آنها به جهت استراحت عیبی ندارد، گر چه احوط این است که بین آن دو ننشیند.

احکام سعی

مسئله ۲۱۴) هرگاه سعی از روی فراموشی ترک شود، هر وقت یاد شخص بیاید باید به جا آورد. هر چند یاد آمدنش پس از فراغت از اعمال عمره باشد. و کسی که شخصاً نتواند یا برایش مشقت داشته باشد، بایستی نایب بگیرد و عمره اش در هر دو صورت صحیح خواهد بود.

مسئله ۲۱۵) کسی که شخصاً پیاده یا سواره نتواند سعی را به جا آورد، دیگری را نایب بگیرد که به جای او سعی کند و حج و عمره اش صحیح است.

مسئله ۲۱۶) احتیاط این است که بعد از طواف و نماز آن بدون ضرورت مانند شدت گرما یا خستگی زیاد، تأخیر نکند، اگر چه اقوی این است که می تواند سعی را تا شب تأخیر کند، بلی در حال اختیار نباید سعی را به فردا بیندازد.

مسئله ۲۱۷) زیادی در سعی مانند زیادی در طواف سبب بطلان خواهد بود، اگر از روی علم و عمد باشد، چنان که در طواف گذشت.

بلی اگر جاهل به حکم باشد، اظهر این است که سعی اش باطل نمی شود، هر چند احتیاط در تکرار آن است.

مسأله ۲۱۸ هرگاه از روی خطا در سعی خود زیاد نمود، سعی اش درست است. ولی اگر زیادی یک شوط کامل باشد، مستحب است که شش شوط دیگر به آن اضافه نماید تا یک سعی کامل غیر از سعی اول شود و ختم سعی دوم طبعاً به صفا خواهد بود، و چنانچه زیادی بیش از یک شوط باشد، تمام نمودن آن به قصد رجا عیبی ندارد.

مسأله ۲۱۹ چنانچه شخصی از روی فراموشی، مقداری از سعی در عمره را کم نموده و به اعتماد این که از سعی فارغ و مُحَل شده است، با زنش نزدیکی نماید در این صورت احوط، بلکه اظهر این است که یک گاو كفاره بدهد و لازم است سعی را به نحوی که گفته شد، تمام نماید.

شک در سعی

مسأله ۲۲۰) شک در عدد اشواط سعی پس از تقصیر اعتبار ندارد. و جمعی از فقها فرموده‌اند که شک در عدد اشواط بعد از سعی هر چند پیش از تقصیر باشد، اعتبار ندارد. و این کلام خالی از وجه نیست و لکن احتیاط ترک نشود.

مسأله ۲۲۱) اگر هنگامی که در مروه است شک کند که شوط آخری هفتم است یا نهم، اعتنا به شک خود ننماید، و سعی اش صحیح خواهد بود. و چنانچه این شک در اثنای شوط باشد، یعنی هنوز به مروه نرسیده چنین شکی کند، سعی اش باطل و لازم است سعی را از سر بگیرد.

مسأله ۲۲۲) حکم شک در عدد اشواط سعی، مانند حکم شک در عدد اشواط طواف است. پس هرگاه شک کند در عدد اشواط، سعی باطل می‌شود.

تقصیر

پنجمین واجب از واجبات عمره مفرده، تقصیر است. یعنی گرفتن مقداری از ناخن دست و یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل. و قصد قربت در تقصیر معتبر است. و کندن مو در تقصیر کافی نیست.

مسأله ۲۲۳) هر گاه بعد از سعی و پیش از تقصیر، با زنی نزدیکی و جماع کند و جاهل به حکم باشد، بنابر احتیاط باید یک شتر کفاره بدهد.

مسأله ۲۲۴) تقصیر، پیش از تمامی سعی حرام است. و چنانچه کسی پیش از فراغت از سعی، تقصیر نماید، باید کفاره بدهد.

مسأله ۲۲۵) لازم نیست تقصیر، بعد از سعی بلافاصله به جا آورده شود. و شخص می تواند هر جا دلش خواست، خواه در مسعی یا در منزل یا جای دیگر تقصیر نماید. ولی تا تقصیر نکرده هیچ یک از محرّمات احرام بر او حلال نمی شود وقتی تقصیر کرد همه محرّمات به جزء زن و بوی خوش حلال می شوند.

مسأله ۲۲۶) محرم قبل از این که خودش تقصیر کند نمی تواند دیگری را تقصیر نماید و اگر تقصیر کرد مجزی نخواهد بود.

طواف نساء

ششمین واجب از اعمال عمره مفرده طواف نساء است.

مسئله ۲۲۷) پس از تقصیر یا حلق، واجب است هفت دور به نیت طواف نساء به دور خانه کعبه بگردد و پس از آن دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم به نیت نماز طواف نساء به جا آورد.

مسئله ۲۲۸) طواف نساء و نماز آن با طواف عمره و نماز آن تفاوتی ندارد، بجز در نیت؛ بنابراین، این طواف نیز باید از حجرالاسود شروع شود و به همان جا ختم گردد و هنگام طواف سمت چپ او به سمت کعبه باشد و شرایطی را که برای طواف عمره گفته شد، مراعات کند.

مسئله ۲۲۹) طواف نساء بر مرد و زن، پیر و جوان، متأهل و مجرد، و حتی کودکان ممیز و خنثی واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود، بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر کودک غیر ممیز را محرم کرده اند، ولی او همراه او طواف نساء را به جا آورد.

مسأله ۲۳۰) اگر «طواف نساء» را ترک کند، خواه از روی عمد باشد، یا جهالت، یا فراموشی عمره مفرده او باطل نیست و کفاره هم ندارد ولی زن بر او حرام است، تا بازگردد و طواف کند. و اگر بازگشت ممکن نیست، یا مشکل است، نایب بگیرد. و اگر از دنیا برود، ولیّ او قضای آن را به جا آورد.

مسأله ۲۳۱) اگر شخصی، طواف نساءهای متعدّدی را ترک کرده باشد، باید همه را به تعداد ترک شده مستقلاًّ به جا بیاورد و در این حکم (ترک طواف نساء) فرقی میان زن و مرد و کودک نیست؛ زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن زن برای او حلال نمی شود.

مسأله ۲۳۲) طواف نساء و نماز آن رکن نیست، و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج و عمره نمی گردد، هر چند انجام آن در عمره مفرده واجب است، و اگر به جا نیاورد زن بر او حلال نمی شود؛ بلکه به خواستگاری رفتن و شاهد عقد شدن نیز بنا بر احتیاط واجب بدون طواف نساء جایز نیست.

مسأله ۲۳۳) هرگاه زنی که طواف نساء را به جا نیاورده، گرفتار عادت ماهانه شود، و پیش از پاک شدن ناچار به ترک مکه باشد (مثل این که کاروان مهلت نمی دهد تا پاک شود) لازم است برای طواف

نساء و نماز آن نایب بگیرد (همچنین کسان دیگری که به سبب بیماری یا عذر دیگر قادر به انجام طواف و سعی نباشند باید نایب بگیرند).

مسأله ۲۳۴) هرگاه طواف نساء را فراموش کند و از عمره مفرده بازگردد، در صورت امکان باید خودش برگردد و به جا آورد، و چنانچه ممکن نباشد، یا مشقت داشته باشد نایب بگیرد، و پس از آن که نایب طواف نساء و نماز آن را انجام داد، مرد بر زن و زن بر مرد حلال می شود.

مسأله ۲۳۵) کسی که طواف واجب (اعم از طواف عمره، یا طواف نساء) را فراموش کند، و به وطن بازگردد، و با همسر خود نزدیکی نماید، هرگاه از روی فراموشی و جهل به مسأله باشد کفاره ندارد، ولی اگر مسأله را می دانسته و عمدتاً مرتکب آن شده باید کفاره بدهد، و کفاره آن در محرمات احرام گذشت. و مانند مسأله قبل عمل می نماید.

سؤال ۲۳۶) نیت نایب در طواف نساء چگونه است؟

جواب: احتیاط آن است که نیت ما فی الذمه کند.

سؤال ۲۳۷) آیا می‌توان چند روز پس از سعی و تقصیر، طواف نساء را به‌جا آورد، یا باید بلافاصله پس از سعی و تقصیر به‌جا آورد؟

جواب: تأخیر انداختن طواف نساء مانعی ندارد.

سؤال ۲۳۸) مردی به همسرش گفت: «وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال به‌جا آوری!» زن نیز به همین نیت طواف کرد. آیا کفایت می‌کند؟

جواب: چون منظورش انجام وظیفه مربوط به حج یا عمره بوده، مانعی ندارد.

سؤال ۲۳۹) شخصی پس از بازگشت از مکه شک می‌کند که طواف نساءِ عمره مفرده را به‌جا آورده یا نه، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر اجمالا توجه به وجوب طواف نساء داشته، می‌گوید انجام داده‌ام، و اگر از وجوب آن اطلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی‌تواند، نایب بگیرد.

سؤال ۲۴۰) شخصی قبل از انجام طواف نساء با همسرش ملاعبه نموده، و از روی شهوت به او دست زده است. آیا کفاره دارد؟

طواف نساء و نماز آن ۹۷

جواب: بنا بر احتیاط واجب کفّاره دارد؛ ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفّاره ندارد.

سؤال (۲۴۱) اگر نایب طواف نساء را به جا نیاورد، آیا فقط همسر بر او حرام می شود، یا علاوه بر آن ذمه اش نیز مشغول است، که حتی اگر فوت کرده باشد باید از طرف او قضا کنند؟

جواب: ذمه او مشغول است؛ باید خودش در حال حیات انجام دهد، و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

سؤال (۲۴۲) آیا طواف نساء بر پیر مردان و پیر زنانی که عرفاً قادر بر آمیزش جنسی نیستند و ازدواج نمی کنند، و نیز کسانی که عین هستند، واجب است؟

جواب: همه باید انجام دهند.

سؤال (۲۴۳) زن و شوهری به مکه مشرف شده، و مناسک را به جا آورده اند، ولی چون زن شوهرش را دوست نداشته، طواف نساء و نماز آن را ترک کرده، و شوهر هم آنها را به جا نیاورده، و به وطن بازگشته اند. حکم این زوجین از نظر محرمیت و زندگی در یک خانه چیست؟

جواب: این زن و شوهر فقط نمی توانند با هم مناسبات و استمتاعات جنسی داشته باشند، تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را به جا آورند، و اگر خودشان نمی توانند، لازم است برای طواف نایب بگیرند؛ یعنی از کسانی که به مکه می روند خواهش کنند که به نیابت از آن ها طواف نساء و نماز آن را به جا آورند.

سؤال ۲۴۴) آیا منظور از این که می فرمایید: «بدون طواف نساء زن بر مرد، و مرد بر زن حلال نمی شود». فقط آمیزش جنسی است، یا سایر استمتاعات را هم شامل می شود؟

جواب: سایر استمتاعات را شامل نمی شود.

سؤال ۲۴۵) هرگاه کسی که طواف نساء را ترک کرده با همسرش آمیزش کند و فرزندی به وجود آید، آیا حلال زاده است و از آنها ارث می برد؟

جواب: در هر حال فرزند او مشروع است، و از آن ها ارث می برد.

سؤال ۲۴۶) کسی که طواف نساء را انجام نداده، و در این حال زنی را عقد کرده، آیا عقد او صحیح است؟

جواب: عقد او باطل است، و چنان چه علم به حکم داشته، آن زن بر او حرام ابدی می شود.

سؤال ۲۴۷) کسی که طواف نساء عمره مفرده را به جا نیاورده، و پس از آن حجّ افراد به جا آورده است، آیا طواف نساء حجّ افراد کفایت می کند؟

جواب: کفایت نمی کند.

سؤال ۲۴۸) شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده، و برای عمره تمتّع محرم شده است. طواف مذکور را پس از انجام عمره تمتّع به جا آورد، یا قبل از آن؟

جواب: می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتّع به جا آورد.

مستحبات سفر

شخصی که اراده سفر مکه یا سفر دیگر را دارد مستحب است که از حضرت حق جل و علا طلب خیر کند و وصیت بنماید و صدقه بدهد تا آن که به آن صدقه سلامتی خود را خریداری نماید و وقتی که برای مسافرت مهیا شده، مستحب است در خانه خود چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی فاتحه الکتاب و سوره توحید را بخواند و بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ فَاجْعَلْنِي خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي).

و مستحب است به درب خانه خود ایستاده و سه مرتبه از پیش رو و طرف راست و طرف چپ سوره فاتحه و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند و بعد از آن بگوید:

(اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ).

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

(۱) قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

(۲) کسی که قصد حج را دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قصد عمره مفرده کرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند و بعضی از فقها به وجوب آن قائل شده‌اند و این قول اگر چه ضعیف است ولی أحوط است.

(۳) پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است مقدم کردن این غسل به خصوص در صورتی که بیم آن باشد در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را تکرار نماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم تکرار مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و هم چنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی

اگر پس از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر مبتلا شد غسل را تکرار نماید.

(۴) هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي
وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَانْتَهَى فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمَرَنِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ
فَبَلَغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَاقْبَلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي
فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَأَنِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ
وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي).

(۵) دو جامه احرام از پنبه باشد.

(۶) احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت توانایی پس از فریضه ظهر و در صورت عدم توانایی
پس از فریضه دیگر و در صورت عدم توانایی از آن پس از شش یا دو
رکعت نماز نافله در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت
دوم سوره کافرون را بخواند و شش رکعت أفضل است و پس از نماز
حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد.

(۷) به نیت احرام تلفظ نموده و به اخطار یا مجرد انگیزه نفسانی
اکتفا ننماید و برای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند:

۸) در گذشته متذکر شدیم که تلبیه واجب که احرام به آن محقق می شود بنا بر احوط این است:

(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنْ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ).

و مستحب است پس از آن بگوید:

(لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تَبْدِيءِ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَ يَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْغُوباً وَ مَرْهُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا النِّعَمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ).

و گفتن این جملات نیز خوب است:

(لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ بِعُمْرَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَ بَلَاغُهَا عَلَيْكَ).

۹) تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده،

وقت بر خواستن از خواب، پس از هر نماز واجب و مستحب، وقت

رسیدن به سواره هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن وقت

سوار شدن یا پیاده شدن و در اوقات سحر تلبیه بسیار بگویند، و زن حائض و نفساء این تلبیه‌ها را بگویند و شخص متمتع لبیک گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن‌که خانه‌های مکه را ببیند و پس از آن قطع خواهد شد و اما در حج تلبیه تا ظهر روز عرفه است و پس از آن قطع خواهد شد.

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در جامه سیاه بلکه أحوط ترک آن است و أفضل احرام در جامه سفید است.
۲. خوابیدن محرم در رخت و بالش زرد رنگ.
۳. احرام بستن در جامه‌ی چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.
۴. احرام بستن در جامه‌ی راه راه.
۵. به کار بردن حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.
۶. حمام رفتن و اولی بلکه أحوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و نحو آن نساید.
۷. لیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید بلکه أحوط ترک آن است.

مستحبات داخل شدن به حرم

۱- همین که حاجی به حرم رسید پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل علا پا برهنه شده و کفش‌های خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأَدُّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَقِّ
يَأْتُوكَ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ
سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ
وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ
عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ
مِنْهَا بِمَنِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمِ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَ
آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ).

۴- وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) را گرفته آن را

بجود.

مستحبات داخل شدن به مکه معظمه

برای داخل شدن به مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب مسجد الحرام و مکه معظمه

مستحب است مکلف برای داخل شدن به مسجد الحرام غسل نماید و هم چنین مستحب است با پای برهنه و با حالت وقار وارد شود و هنگام ورود از در - بنی شیهه - وارد شود و گفته اند که باب بنی شیهه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از اسطوانات بگذرد و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده و بگوید:

(السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ
مَا شَاءَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست‌ها را بلند نموده و

بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ
تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّ خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرَ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي
بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّ هَذَا بَيْتَكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ
مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ
بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأُؤْمُ طَاعَتَكَ مُطِيعًا
لَأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ
اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ).

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

(بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ

عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ
 بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
 خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رَسُولِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي
 طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ
 وَ جِهَكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زَوَّارِهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ
 مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ
 عَلَى كُلِّ مَأْتَى حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأْتَى وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ
 فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا
 شَرِيكَ لَكَ وَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ
 كُفُوًا أَحَدٌ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ
 بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مُجَادِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ
 تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.
 سپس سه مرتبه می گوید: اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ در ادامه بگوید:
 (وَ أَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ
 وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ).

و مستحب است وقتی که محاذی و برابر حجرالأسود شد بگوید:
(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَ
بِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ).

پس نزدیک حجرالأسود رفته و آن را استلام نماید و بگوید:
(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ
اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
مِمَّا أَخْشَىٰ وَ أَحْذَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ
هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و نیز سلام بر پیغمبران بدهد
چنانچه وقت داخل شدن به مسجد سلام داد آن گاه می گوید: (إِنِّي
أُؤْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأَوْفَىٰ بِعَهْدِكَ) و در روایت معتبر وارد است وقتی که
نزدیک حجرالأسود رسیدی دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای
إلهی را به جا آور. و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه
که عمره تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و

اگر بوسیدن ممکن نشد با دست استلام نما. و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

(اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ
تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ
كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةِ
كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ).

و اگر بتوانی همه را بخوان و گرنه برخی را بخوان و بگو:

(اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ
سَبِّحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ
مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ).

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف مستحب است بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ).

و حاجت خود را طلب نماید و نیز مستحب است در حال طواف بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلْ إِسْمِي). و صلوات بر محمد و آل او بفرستد به خصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد و وقتی که به حجر اسماعیل رسید به ناودان نگاه نمود بگوید: (اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ أَجْرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ السُّتْمِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ). و چون از

حجر بگذرد بگوید: (يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ إِنَّ عَلَيَّ ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ). و چون به رکن یمانی برسد دست بر دارد و بگوید: (يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ) پس سر به سمت کعبه بالا کند و بگوید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلَيَّ إِمَامًا اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ). و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد بگوید: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ).

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

(اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ).

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

(اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ
فُضَاعِفُهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَى خَلْقِكَ أُسْتَجِيرُ
بِاللهِ مِنَ النَّارِ).

و آن چه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده طواف خود را تمام نموده و بگوید:

(اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي). و برای طواف
کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را
استلام و در وقت استلام حجر بگوید: (أَمَانَتِي أَدَّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ
لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ).

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را بخواند، و پس از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداند عالم طلب قبول نماید، و در بعضی روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

(سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَ رِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقَرَّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ).

و پس از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد، و پس از تمام کردن نماز طواف و پیش از سعی، مستحب است به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو سطل آب بکشد و آن را به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: (اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ).

مستحبات سعی

مستحب است که از درب مقابل حجرالأسود به سمت صفا (با رعایت وقار و آرامش) خارج شود و وقتی بر صفا بالا رفت به کعبه نگاه کند، و به سمت رکنی که حجرالأسود در آن است متوجه شود و خدای را حمد و ثنا گوید و نعمت های الهی را به یاد آورد، سپس هفت مرتبه (اللهُ أَكْبَرُ) بگوید، هفت مرتبه (الحمد لله) بگوید، و هفت مرتبه (لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ) بگوید، و سه مرتبه (لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) بگوید.

سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، بعد سه مرتبه بگوید: (اللهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّائِمِ).

سپس سه مرتبه بگوید: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ).

سپس سه مرتبه بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ). و سه مرتبه بگوید: (اللَّهُمَّ اتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ).

سپس صد مرتبه (اللهُ أَكْبَرُ)، و صد مرتبه (لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ)، صد مرتبه (الْحَمْدُ لِلَّهِ)، و صد مرتبه (سُبْحَانَ اللَّهِ) بگوید،

سپس چنين بگوید:

(لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ).

و دين و خویشان و اهل و عیال خود را به خدا بسپارد (و این کار را زیاد کند) پس بگوید: (أَسْتَودِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوْفَّقْنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ).

سپس سه مرتبه (الله اکبر) بگوید، و آن را دو بار تکرار کند، و یک بار نیز تکبیر بگوید، و بعد آن را تکرار کند، و اگر همه آن را نتواند پس مقداری را که می تواند انجام دهد.

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که آن حضرت وقتی به صفا بالا می رفت به سمت کعبه روی می کرد و بعد دو دست خود را بلند می کرد سپس می گفت:

(اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصَبْتُ أَتَقَى عَذَابَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورِ ارْحَمْنِي).

و از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اگر می خواهی مال و ثروت زیاد شود پس وقوف در صفا را زیاد کن (در صفا زیاد بایست).

و مستحب است پیاده سعی کند و با آرامش و وقار راه برود تا به محل مناره اولی برسد پس به سمت مناره دومی هروله نماید، سپس با وقار و آرامش راه برود تا به مروه بالا رود و بر بالای مروه همان اعمالی را انجام دهد که در صفا انجام داده بوده و از مروه بطرف صفا بر می گردد به همین صورت که گفتیم و اگر سواره باشد در میان دو مناره سرعت کند.

پس سزاوار است که بکوشد تا گریه کند (خود را به گریه وادار کند) و بسیار خدا را بخواند.

ضمناً برای زنان هروله نیست.

مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است.

(۱) زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن

(۲) ختم نمودن یک قرآن

(۳) خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

(اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ)

و نیز بگوید:

(بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ).

(۴) نظر نمودن به کعبه و اکثار از آن

(۵) در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن در اول شب سه طواف

و در آخر شب سه طواف و پس از داخل شدن به صبح دو طواف و

بعد از ظهر دو طواف.

(۶) هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال یعنی سیصد و پنجاه و

پنج مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن

هم میسر نشد هر مقداری که بتواند طواف نماید.

(۷) شخص ضروره به خانه کعبه داخل شود و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

(اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِّنِي مِنَ عَذَابِ النَّارِ).

پس دو رکعت نماز گذارده در رکعت اول بعد از حمد سوره (حم سجده) و در رکعت دوم بعد از حمد پنجاه و پنج آیه از سایر آیات قرآن بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند

(۸) دو رکعت نماز خواندن در هریک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند.

(اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ فَأَلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَ تَعَبَّيْتُ وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ فَلَا تُخَيِّبَ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ فَاسْأَلْكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَ تُقَلِّبَنِي بِرَغْبَتِي وَ لَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

يَا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ).

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه (اللهُ أَكْبَرُ) بگوید
پس بگوید:

(اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ).

بعد پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال
نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند:

طواف وداع

برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به‌جا آورد و آن‌چه خواهد دعا نماید سپس حجرالأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست دیگر را به سمت درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعاء را بخواند:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِيكَ وَفِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ).

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن مقداری خرما خریده و آن را بر فقراء صدقه دهد.

زیارت رسول اکرم ﷺ بعد از حج

از جمله امور مستحب که بسیار مؤکد است این است که شخص هنگام برگشتن، از راه مدینه طیبه برگردد تا آن که به زیارت حضرت رسول الله ﷺ و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام مشرف گردد.

زیارت نامه حضرت رسول اکرم ﷺ

(السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لَأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ).

زیارت نامه حضرت صدیقه علیها السلام

(يَا مُمْتَحَنَةَ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَّا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا

أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ ﷺ وَ أَتَانَا بِهِ وَصِيَّهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا
الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بَوْلَايَتِكَ).

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

مستحب است که زائر بهترین لباس نظیف خود را بپوشد، و به
بهترین عطر خود را خوش بو کند، و با آرامش و وقار به زیارت آن
بزرگواران برود، و چون نزدیک آن بارگاه شد بایستد، و با خواندن
دعای زیر اجازه ورود بگیرد:

«يَا مَوْالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُكُمْ وَ ابْنُ أُمَتِكُمُ الذَّلِيلُ بَيْنَ
أَيْدِيكُمْ وَ الْمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا
بِكُمْ قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ
ءَأَدْخُلُ يَا مَوْالِيَّ أَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ
بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ؟»

سپس پای راست را پیش بگذارد، و با خشوع و خضوع وارد شود،
و بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ آصِيلًا، وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ،

الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ، وَ سَهْلَ زِيَارَةِ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ».

و سپس پشت به قبله و رو به آن قبور مطهر دعای زیر بخواند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَ كَذَّبْتُمْ وَ أَسَىءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْإِيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَ أَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصَّدَقُ، وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَ أَنَّكُمْ دَعَأْتُمُ الدِّينَ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بَعَيْنَ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مَطَهَّرٍ، وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدَسَّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَ لَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَ طَابَ مَبِيتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا، وَ كَفَّارَةً لِدُنُونِنَا، إِذِ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ

بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَ هَذَا مَقَامٌ مَنْ أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ وَ اسْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا
جَنَى، وَ رَجَى بِمَقَامِهِ الْخِلَاصَ، وَ أَنْ يُسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنْ
الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَ
اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا، وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَ
دَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي، وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا
أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ
مَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا
خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا، مَذْكُورًا
مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

سپس قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ و سایر
بزرگان بقیع را زیارت کند، و بر آن‌ها درود و رحمت فرستد، و بر
ایشان فاتحه بخواند.

زیارت حضرت حمزه

و سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای أحد را زیارت کند، و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم ﷺ در أحد بگوید:

«الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَ نَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَ كُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِباً، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّباً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِذَلِكَ، رَاغِباً إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِباً مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزَعاً إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتَكَ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِباً فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ قَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَ آتَيْتُ مَا اسْخَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحَداً أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْراً لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعاً يَوْمَ فَقْرِي وَ حَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُوناً، وَ أَتَيْتَكَ مَكْرُوباً، وَ سَكَبْتُ عُبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِياً، وَ صِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرِداً، وَ أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ

بِصَلَّتِهِ، وَحَثْنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَبْنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمْنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَلَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاهُمْ».

زیارت وداع پیامبر ﷺ

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّكَ قَدْ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، فَأَحْشَرْنَا مَعَهُمْ، وَفِي زُمْرَتِهِمْ، وَتَحْتَ لِوَاءِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعْلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

زیارت وداع ائمه بقیع علیهم السلام

«الْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، اسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ
وَ اقْرَءْ عَلَیْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ دَلَّلْتُمْ عَلَیْهِ،
اَللّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِیْنَ» و سپس می گوید:

«و لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ،
الْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

مسائل متفرقه و استفتائات جدید حج

شرکت در نماز جماعت اهل سنت:

مسئله ۲۴۹) هنگامی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت برگزار می گردد، مؤمنین نباید از آن اماکن مقدسه خارج شوند، و نماز جماعت را ترک کنند. بلکه باید به همراه بقیه مسلمانان به نماز جماعت بایستند.

مسئله ۲۵۰) کسی که نمازش را در مسجد الحرام به شکل استداره (دایره وار) خوانده، به گونه ای که رو به روی امام جماعت، یا در سمت راست، یا در طرف چپ او ایستاده بوده، نمازش صحیح است، و نیاز به تکرار آن نیست؛ به شرط این که حمد و سوره را بخواند.

مسئله ۲۵۱) کسانی که برای شرکت در نماز مغرب یا ظهر به مساجد مکه و مدینه می روند، و در جماعت آن ها شرکت می کنند، می توانند بعد از نماز جماعت، نماز عشا یا عصر خود را به طور فردی به جا آورند.

مسأله ۲۵۲) نمازهایی که همگام با سایر مسلمین به امامت اهل سنت اقامه می‌گردد صحیح است، و حتی در وسعت وقت نیاز به اعاده ندارد به شرط این که حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۲۵۳) نمازهایی که بر اثر ازدحام جمعیت در پشت بام مسجد الحرام یا مسجد النبی به جماعت برگزار می‌شود، کافی است به شرط این که حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۲۵۴) نماز جمعه با اهل سنت کفایت از نماز ظهر نمی‌کند، و اعاده آن لازم است.

مسأله ۲۵۵) خواندن نماز قضا با نماز جماعت اهل سنت، مانعی ندارد به شرط این که حمد و سوره را بخواند.

مسأله ۲۵۶) با توجه به این که اگر اهل سنت یک رکعت از امام عقب بیفتند تجافی نمی‌کنند (و به صورت نیم خیز نمی‌نشینند)، انجام این کار برای شیعیان لازم نیست.

مسأله ۲۵۷) سجده کردن بر تمام انواع سنگ‌ها جایز است؛ چه مرمر باشد، یا سنگ‌های سیاه معدنی، یا سنگ گچ و آهک. بنابراین، سجده کردن بر تمام سنگ‌فرش‌های «مسجد الحرام» و «مسجد النبی» که از این قبیل است اشکالی ندارد.

مسائل متفرقه و استفتائات جدید مج ۱۳۳

مسأله ۲۵۸) سجده کردن بر فرش‌های مسجدالنبی و سایر مساجد مکه و مدینه مانعی ندارد، بلکه مهر گذاشتن جایز نیست، ولی اگر به سهولت به جایی که فرش نیست و برای سجده مناسب است دسترسی دارد و سبب حساسیت برادران اهل سنت نمی‌شود آن را مقدم دارد؛ اما تأکید می‌شود از هر عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن می‌گردد اجتناب ورزند، ولی سجده بر فرش در هتل‌ها جایز نیست.

مسأله ۲۵۹) سجده بر حصیرهایی که در مکه و مدینه مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می‌شود، و حصیر مزبور با نخ مخلوط است، مانعی ندارد؛ مشروط بر این که موجب هتک و انگشت نما شدن نگردد.

مسأله ۲۶۰) نمازهای شخصی که خیال می‌کرده سجده بر سنگ - فرش‌های مسجدالحرام یا مسجدالنبی صحیح نیست، و بر پشت دست خود سجده نموده، صحیح نیست.

مسأله ۲۶۱) اگر امر دائر است بین این که نماز را در محلی که ثواب فراوانی دارد (مانند روضه مطهره مسجدالنبی)، اما مجبور است بر فرش سجده کند به جا آورد، یا در جایی که ثواب کمتری دارد، ولی می‌تواند بر سنگ سجده نماید باید دومی را انتخاب کند.

مسأله ۲۶۲) حجاج محترمی که در نماز جماعت اهل سنت بر روی ویلچر یا صندلی نماز می خوانند، به هنگام رکوع کمی خم می شوند، و به هنگام سجده کمی بیش تر، و نمازشان صحیح است، و لازم نیست کفش های خود را بیرون آورند، یا مهر به پیشانی بچسبانند.

نماز مسافر

مسأله ۲۶۳) مسافران مخیرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالنبی، بلکه در مکه و مدینه قدیم تمام یا قصر به جا آورند، و نماز تمام افضل است.

روزه مستحبی

مسأله ۲۶۴) حاجی می تواند برای برآورده شدن حاجات خود سه روز در مدینه روزه بگیرد و سزاوار است این سه روز چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه باشد.

مسأله ۲۶۵) نذر روزه در سفر اشکال ندارد و اگر نذر کرد باید به نذر خود عمل کند چه در مدینه یا غیر آن.

وقت نماز و روزه

مسأله ۲۶۶) نماز خواندن با اذان اهل تسنن مانعی ندارد؛ ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمزه زائل گردد و اگر یقین به دخول وقت پیدا نکرد باید اعاده کند.

مسأله ۲۶۷) کسانی که در ماه مبارک رمضان توفیق انجام عمره مفرده پیدا می کنند، هر گاه جهت نماز اول وقت به مسجد الحرام یا مسجد النبی بروند، و قبل از زوال حمزه به آنها اصرار کنند که افطار نمایند، اگر مجبور باشند که افطار نمایند نباید در آن جا حاضر شوند که مجبوره افطار شوند.

حج و خمس

مسأله ۲۶۸) هر گاه شخصی هزینه حج یا عمره دیگری را بپردازد، ولو باذل اهل وجوهات شرعیه نباشد، بر هدیه گیرنده چیزی واجب نیست و هدیه دهنده بدهکار اهل خمس است.

مسأله ۲۶۹) هر گاه کسی بدون این که خمس مال خود را بپردازد به عمره یا حج برود، و پس از بازگشت متوجه خطای خود

شود، حج یا عمره او صحیح است، ولی در اولین فرصت اقدام به پاکسازی اموال خود کند.

مسئله ۲۷۰) شخصی که حساب خمسی ندارد هر گاه بخواهد به حج مشرف شود باید به اموال خود رسیدگی کند. چنانچه تاریخ اولین درآمدش را بداند، آنچه از اموال و دارایی‌ها که بر مبنای اولین درآمد، سال بر آن گذشته خمس دارد، و اگر تاریخ اولین درآمد را نداند، آنچه در طول سال نزد او بوده خمس دارد، و آنچه مشکوک است خمس ندارد، و تخمیس لباس احرام کفایت نمی‌کند، بلکه باید تمام هزینه حج یا عمره تخمیس گردد. و بسیار بجاست که حجاج محترم از این فرصت الهی استفاده کرده و آن‌ها که تاکنون تمام اموالشان را تخمیس نکرده‌اند خمس آن را بپردازند تا هم به وظیفه واجب خویش عمل کنند و هم مشمول برکات الهی شوند.

لقطه (گمشده) حرم

مسئله (۲۷۱) هر گاه حاجی چیزی در حرم پیدا کند، احتیاط واجب آن است که بر ندارد.

استفتائات مرتبط با مسائل عمره

سؤال (۲۷۲) شخصی که مقلد هیچ یک از مراجع بزرگوار تقلید نبوده، اکنون می خواهد تقلید نماید. در این مدت مکه هم رفته است. آیا عبادت هایش صحیح است؟

جواب: هر گاه اعمالش مطابق فتوای مرجعی که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست باشد، صحیح است؟

سؤال (۲۷۳) قرآن‌هایی در مسجدالحرام وجود دارد که بر روی بعضی از آنها جمله «**وقف لله تعالی**» نوشته شده، و بر تعدادی نیز این جمله نوشته نشده است. لطفاً در مورد قرآن‌های مذکور به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف) در بین حجاج مشهور است که برداشتن قرآن‌هایی که جمله مذکور در آن وجود ندارد، جایز است. آیا این سخن صحیح است؟

جواب: برداشتن آن‌ها بدون اجازه مسئولین مربوطه جایز نیست، و کسانی که بدون اجازه برداشته‌اند، باید بازگردانند.

ب) گاهی از اوقات مسئولین مسجدالحرام قرآن‌هایی که جمله مذکور روی آن نوشته شده را به حجاج هدیه می‌کنند. آیا گرفتن چنان قرآن‌هایی جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال (۲۷۴) آیا می‌توان قطعه‌ای از سنگ کوه صفا و مروه، یا صحرای مشعر را به عنوان تبرک برداشت؟

جواب: برداشتن سنگ از صفا و مروه جایز نیست؛ و برداشتن از مشعر نیز احتیاط در ترک آن است.

سؤال (۲۷۵) گاه دیده می‌شود که برخی از حجّاج محترم به عنوان تبرک مقداری از خاک قبرستان بقیع را برداشته، و همراه خود به ایران می‌آورند. آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟ اگر جایز نباشد، وظیفه فعلی آن‌ها چیست؟

جواب: این کار جایز نیست.

مسأله (۲۷۶) هرگاه جمعیت طواف کننده به قدری زیاد باشد که انسان را با فشار و بدون اختیار به پیش ببرد، ضرری برای طواف ندارد،

و همین اندازه که از آغاز نیت می کند که برای طواف به میان جمعیت برود کافی است. هر چند می داند فشار جمعیت او را به جلو می برد.

مسئله ۲۷۷) طواف در طبقه دوم و پشت بام مسجدالحرام و هر جای دیگر که هم سطح یا بالاتر از بام کعبه است جایز نیست. و کسانی که مجبور هستند از آن جا طواف کنند باید نائب هم بگیرند.

مسئله ۲۷۸) محل نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است؛ ولی اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد، می توان عقب تر نماز خواند. به خصوص، در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می رسد، در این صورت نباید مزاحم طواف کنندگان شد، بلکه دورتر از مقام ولی پشت آن نماز می خواند، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می دهند، و دست ها را زنجیر می کنند، و مزاحم طواف کنندگان می شوند، صحیح نیست؛ اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می توان خواند.

مسئله ۲۷۹) خواندن نماز طواف به جماعت اشکال دارد، حتی به عنوان احتیاط، و افراد باید حمد و سوره را به قدر امکان اصلاح کنند، و خودشان بخوانند.

مسئله ۲۸۰) سعی صفا و مروه در طبقه بالا جایز نیست.

مسأله ۲۸۱) هنگام سعی صفا و مروه کافی است مقداری از سربالایی صفا و مروه را طی کند، و لازم نیست به قسمت لخت کوه برسد، و پای خود را به آن بچسباند. زیرا سربالایی مفروش در صفا و مروه جزء کوه است.

مسأله ۲۸۲) نشستن در حال طواف واجب، برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط آن است که موالات عرفی به هم نخورد، یعنی فاصله زیاد نشود؛ اما نشستن در حال سعی، برای رفع خستگی و مانند آن به هر مقدار مانعی ندارد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو.

مسأله ۲۸۳) بهتر است هنگام ازدحام جمعیت، طواف متسحبی را ترک کرد، و محل طواف را برای کسانی که طواف واجب می کنند آزاد گذاشت.

نیابت

سوال ۲۸۴) کسانی که قرائت آن‌ها صحیح نیست آیا می‌توانند در حج و عمره مستحبی نایب شوند؟ و با وصف مذکور آیا احرام آن‌ها صحیح است و از احرام خارج نمی‌شود یا اصل احرام باطل است؟

جواب: نیابت در حج و عمره مستحبی ظاهراً مانع ندارد و احرامشان صحیح است و باید قرائت را حتی الامکان تصحیح نمایند و اگر ممکن نشد با همان قرائت از احرام خارج شوند.

سوال ۲۸۵) وظیفه نائب از جهت تقلید در اعمال حج و عمره چیست؟

جواب: باید طبق تقلید نائب باشد گرچه در صورت امکان، احتیاط در رعایت تقلید منوب عنه هم است.

احرام

سوال ۲۸۶) بعضی از بانوان در ایام حیض (مثلاً روز چهارم) با تزریق آمپول یا خوردن قرص از بیرون آمدن خون جلوگیری می‌کنند آیا حکم طاهر را دارند و این عمل برای درک اعمال حج جایز است؟

جواب: حکم طاهر را دارند و مانعی از این عمل شرعاً نیست مگر این که ضرر معتدبه و قابل اعتنایی داشته باشد.

سوال ۲۸۷) فاصله حج تمتع با عمره مفرده بعد از انجام حج چقدر می باشد؟

جواب: فاصله لازم نیست.

سوال ۲۸۸) فاصله دو عمره مفرده چه مقدار می باشد؟

جواب: احتیاطاً یک ماه فاصله باشد، گرچه اقوی عدم اعتبار فاصله است.

سوال ۲۸۹) در نیت احرام قصد ترک محرمات معتبر است یا نه؟ و اگر معتبر است کسی که یقین دارد بعضی از محرمات را نمی تواند ترک کند، تکلیفش چیست؟

جواب: در صحت احرام عزم و قصد بر ترک محرمات از اول تا آخر معتبر نیست، مگر استمناء و جماع. پس اگر از اول قصد داشته باشد که قبل از فارغ شدن از سعی، استمناء یا جماع نماید احرامش باطل است.

سوال ۲۹۰) آیا برای دخول در حرم هر چند قصد دخول مکه را نداشته باشد، احرام لازم است؟

مسائل متفرقه و استفتائات جدید مع ۱۴۳

جواب: بنابر احتیاط لازم است و در این صورت باید وارد مکه شده عمره را به جا آورد.

سوال ۲۹۱) احرام در میقات (شجره) تا کجا مجزی است؟

جواب: در تمام مسجد و بیرون آن از طرف راست و چپ مجزی است.

سوال ۲۹۲) اذن شوهر در نذر احرام قبل از میقات برای بانوان

لازم است؟

جواب: اگر با حق شوهر منافات نداشته باشد لازم نیست.

محرمات احرام

سوال ۲۹۳) سوزن قفلی در لباس احرام چه حکمی دارد؟

جواب: مانع ندارد گرچه احتیاط مستحب ترک آن است.

سوال ۲۹۴) آیا گره زدن لباس احرام جایز است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، ترک شود.

سوال ۲۹۵) آیا حاجی می تواند دو طرف رداء را به وسیله سنگ

و کش یا به وسیله سنجاق به هم متصل کند و یا گره بزند؟

جواب: احتیاط آن است که رداء را گره نزنند ولی اگر با سنجاق یا با گذاشتن سنگی در آن دورش را بهم برسانند، مانعی ندارد،

سوال ۲۹۶) شخص محرم اگر در اثر سردی هوا پتو را از روی لباس احرام به خود بپيچد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر دوخته نباشد، اشکال ندارد.

سوال ۲۹۷) سوار شدن به ماشین سقف دار در شب برای محرم چه حکمی دارد؟

جواب: اگر بود و نبود سقف تفاوتی نداشته باشد، اشکال ندارد و گرنه بنابر احتیاط ترک شود.

سوال ۲۹۸) محرم بعد از مستقر شدن در مکه معظمه موقع رفتن به مسجد الحرام و طواف و سعی و هم چنین در منی بعد از برگشتن به چادر، موقع رفتن به رمی جمرات آیا لازم است از تظلیل (سایبان قرار دادن بالای سر)، اجتناب کند؟

جواب: بلی سایه قرار دادن بالای سر چه به وسیله چتر و چه با سوار شدن به ماشین سقف دار، بنابر احتیاط ترک شود.

مسائل متفرقه و استفتائات جدید مج ۱۴۵

سوال ۲۹۹) بانوانی که در حال احرام باید به صورتشان نقاب نیندازند، آیا واجب است به گونه‌ای دیگر صورت خود را از نامحرم بپوشانند؟

جواب: بلی بنابر احتیاط لازم است به گونه‌ای دیگر صورت خود را از نامحرم بپوشانند، به این گونه که گوشه چادر و یا چیز دیگر را محاذی چانه ولی دور از صورت نگاه دارند.

سوال ۳۰۰) اکنون که خودروها خصوصاً در عمره مسقف می‌باشند، و امکان ندارد شخص به تنهایی برای خود سواری تهیه کند، زیرا که یا از قافله عقب می‌ماند یا به زحمت می‌افتد در این صورت چه باید کرد؟

جواب: بعد از احرام در صورتی که تهیه وسیله روباز ممکن نباشد، سوار ماشین مسقف می‌شود و واجب است یک گوسفند ذبح کند. البته وجوب کفاره در شب بنابر احتیاط است.

سوال ۳۰۱) استفاده از کمربند دوخته و فتق بند برای مردان در حال احرام چگونه است؟

جواب: فتق بند جایز است ولی بستن کمربند احتیاطاً ترک شود.

سوال ۳۰۲) آیا پوشیدن دمپایی دوخته برای مردان جایز است یا

نه؟

جواب: جایز است.

طواف

سوال ۳۰۳) آیا طواف واجب باید در حد فاصل میان کعبه و

مقام ابراهیم انجام شود، آیا در صورت ازدحام خارج از این محدوده هم جایز است؟

جواب: بلی لازم است در همان محدوده باشد، ولی در صورت

اضطرار، در خارج آن با مراعات الاقرب فالاقرب مانعی ندارد.

سوال ۳۰۴) اگر در اثناء طواف، نماز جماعت بر پا شود تکلیف

طواف کننده نسبت به قطع و ادامه طواف، یا استیناف آن چیست؟

جواب: نماز را در ظاهر با جماعت می خواند و بعد طواف را از

جایی که قطع کرده ادامه می دهد.

سوال ۳۰۵) آیا در صورت زیادی جمعیت، طواف در طبقه دوم

و سوم مسجد الحرام جایز است یا نه؟

جواب: طواف در طبقه دوم و سوم ترک شود. چون هم سطح یا بالاتر از بام کعبه است.

سوال ۳۰۶) در هنگام طواف در اثر ازدحام، انسان یک مقدار راه را بدون اختیار می‌رود ولی قصد طواف دارد آیا آن مقدار که بدون اختیار رفته به طوافش ضرر می‌رساند؟

جواب: ضرر نمی‌رساند.

سوال ۳۰۷) طواف از طبقه دوم برای معذورین کفایت می‌کند یا نائب گرفتن هم لازم است؟ و آیا تقدم و تأخر شرط است یا نه؟

جواب: بنا بر احتیاط، هم از طبقه بالا طواف می‌کند و هم نائب می‌گیرد و تقدم و تأخر هیچ کدام شرط نیست.

سوال ۳۰۸) حکم شی همراه نجس که ستر نمی‌باشد در طواف چیست؟

جواب: مانعی ندارد.

سوال ۳۰۹) آیا دست گذاشتن روی دیوار حجر و کعبه در حال احرام جایز است یا نه؟

جواب: در حال حرکت بنا بر احتیاط جایز نیست.

سوال ۳۱۰) قطع طواف بدون عذر و شروع مجدد آن چه حکمی

دارد؟

جواب: قطع طواف ظاهراً جایز نیست و اگر پیش از شوط چهارم قطع کرده باید از سر بگیرد و اگر پس از شوط چهارم قطع کرده، طواف را به پایان رسانده نمازش را بخواند و بنابر احتیاط تکرار هم نماید. البته در طواف مستحبی عدم جواز قطع مبنی بر احتیاط است.

سوال ۳۱۱) از سرگیری طواف بدون فوت موالات و با از بین

رفتن موالات چگونه است؟

جواب: اگر از بین رفتن موالات پیش از دور چهارم باشد، باید طواف را از سر بگیرد و الا باید اتمام کرده نمازش را بخواند و احتیاطاً اعاده نماید.

سوال ۳۱۲) در قطع طواف به خاطر نجس شدن بدن یا لباس،

حاجی چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: اگر نجاست پس از شوط چهارم باشد، تطهیر نموده و از همان جا طواف را ادامه می‌دهد و اگر پیش از شوط چهارم، نجاست اتفاق بیفتد باید پس از تطهیر طواف را تمام نموده نمازش را بخواند و بعداً تکرار هم نماید.

سوال ۳۱۳) در قطع طواف به خاطر حدث، وظیفه حاجی چیست؟

جواب: اگر قطع پس از شوط چهارم باشد باید طواف را به پایان برساند و اگر پیش از شوط چهارم باشد و موالات هم از بین رود طواف را از سر می گیرد و گرنه طواف را به پایان می رساند.

سوال ۳۱۴) قطع طواف به خاطر مرض در پیش و پس از شوط چهارم و ادامه آن چگونه باید باشد؟

جواب: قطع طواف در این صورت اگر پس از شوط چهارم باشد طواف باطل نمی شود عملش را از همان جا به جا می آورد و اگر پیش از شوط چهارم باشد در صورت از بین رفتن موالات باید از سر بگیرد.

سوال ۳۱۵) وظیفه شک کننده در طهارت، پس از اتمام طواف چیست؟

جواب: طوافش صحیح است و برای اعمال بعدی باید وضو بگیرد.

سوال ۳۱۶) شک در نقیصه طواف پس از اتمام آن چه حکمی دارد؟

جواب: به شک خود اعتناء نکند.

سوال ۳۱۷) کم کردن از شوط‌های طواف به خاطر سهو مبطل

است یا نه؟

جواب: اگر پیش از فوت موالات یادش آمد، نقیصه را جبران

کند و در صورت فوت موالات اگر مقدار فراموش شده سه شوط یا کمتر باشد مبطل نیست و باید ناقص را خودش به‌جا آورد، و در صورت عدم امکان نائب بگیرد و اگر بیش از سه شوط باشد احتیاطاً به پایان رسانده نمازش را بخواند سپس طواف را اعاده نماید.

سوال ۳۱۸) زیاد کردن شوط‌های طواف سهواً چه حکمی دارد؟

جواب: اگر کمتر از یک شوط باشد او را رها می‌کند و گرنه به

قصد قربت مطلقه تا هفت شوط تکمیل می‌کند.

نماز طواف

سوال ۳۱۹) کسانی که قرائتشان صحیح نیست و در تصحیح

قرائت مقصر باشند، در نماز طواف چه تکلیفی دارند؟

جواب: تا حد امکان باید نماز طواف را خودش بخواند و بنابر

احتیاط رجاء نایب هم بگیرد.

مسائل متفرقه و استفتائات جدید مع ۱۵۱

سوال ۳۲۰) آیا نماز طواف باید در پشت مقام ابراهیم علیه السلام انجام شود یا در جاهای دیگر نیز جایز است؟

جواب: لازم است نماز در پشت مقام ابراهیم به جا آورده شود و در صورت عدم توانایی، در هر جای مسجد که نزدیک به مقام است، به جا آورد ولی باید پشت مقام باشد.

سوال ۳۲۱) اگر بین طواف و نماز طواف یکی دو ساعت فاصله باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: نماز طواف بایستی بعد از طواف فوراً به جا آورده شود که در عرف نگیند بین طواف و نماز فاصله شده است. و در صورتی که فاصله انداخت، بنابر احتیاط واجب طواف را دوباره انجام دهد.

سوال ۳۲۲) اگر کسی غسل جنابت را فراموش نموده و با همان حال مکه رفته و برگشته و تمام اعمال را صحیحاً به جا آورده؛ تکلیفش چیست؟

جواب: حج و عمره اش درست است فقط باید طواف عمره و طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را دوباره به جا آورد و در صورت عدم امکان، نایب بگیرد تا از طرف او به جا آورند.

سوال ۳۲۳) اگر در هنگام خواندن نماز طواف ممکن نباشد که مرد جلو و زن عقب نماز بخواند، تکلیف چیست؟

جواب: هر طور که ممکن باشد، کافی است.

سوال ۳۲۴) حکم خون معفو عنه -بخشیده شده- در نماز در طواف نیز جاری است یا نه؟

جواب: در طواف بنا بر احتیاط جاری نیست.

سوال ۳۲۵) چقدر فاصله میان طواف و نماز طواف مغل صحت نیست؟

جواب: به مقداری که موالات عرفیه از بین نرود و بعید نیست تا حدود ده دقیقه مغل نباشد.

سوال ۳۲۶) حکم عاجز از قرائت صحیح چیست؟

جواب: در صورت واقعی بودن عجز مثل عدم امکان تلفظ صحیح بعضی از حروف، آن چه می تواند کافی است و اگر به خاطر کوتاهی در یاد گیری باشد باید یاد بگیرد و در تنگی وقت آن چه بلد است بخواند و احتیاطاً نائب هم بگیرد.

سعی و صفا

مسائل متفرقه و استفتائات جدید هج ۱۵۳

سوال ۳۲۷) گاهی حجاج به جهت ازدحام مجبور می‌شوند برای سعی از مسجد الحرام عبور کنند در این صورت آیا حائض و نفساء باید برای سعی نایب بگیرند؟

جواب: اگر بدون عبور از مسجد الحرام سعی ممکن نباشد، برای سعی نایب بگیرند.

سوال ۳۲۸) آیا سعی در طبقه دوم و سوم صفا و مروه را جایز می‌دانید؟

جواب: بنابر احتیاط، در طبقه پایین سعی کنند.

سوال ۳۲۹) اگر در اثناء سعی فراموش کند که چند مرتبه سعی کرده است، و به کلی غافل باشد، در این صورت چه باید بکند؟

جواب: باید سعی را از سر بگیرد.

سوال ۳۳۰) سعی در مسعی جدید مجزی است یا نه؟

جواب: بلی مجزی است.

سوال ۳۳۱) اگر فرد پس از تقصیر متوجه بطلان سعی شود، وظیفه‌اش چیست؟ (تکرار تقصیر لازم است یا نه؟)

جواب: سعی را به‌جا می‌آورد و تکرار کردن تقصیر لازم نیست.

سوال ۳۳۲) تأخیر انداختن سعی تا فردا اشکال دارد یا خیر؟

جواب: تکلیفاً جایز نیست و لی اگر تأخیر انداخت و فردا سعی را به جا آورد مجزی است.

متفرقه

سوال ۳۳۳) استظلال در شب برای مردان چگونه است؟

جواب: بنا بر احتیاط جایز نیست.

سوال ۳۳۴) استظلال در مکه و منی و عرفات بعد از منزل کردن

حکمش چیست؟

جواب: جایز نیست.

سوال ۳۳۵) استظلال از مسجد تنعیم چه حکمی دارد؟

جواب: در روز جایز نیست و در شب هم بنا بر احتیاط جایز

نیست، مگر اینکه بود و نبود سقف بی اثر باشد.

سوال ۳۳۶) پی بردن به بطلان وضو یا غسل در عمره تمتع یا

حج چه وظیفه‌ای را برای حاجی به دنبال دارد؟

مسائل متفرقه و استفتائات جدید مع ۱۵۵

جواب: اعمال این شخص اعم از حج و عمره صحیح است و واجب است طواف و نماز طواف را خودش به جا آورد و در صورت عدم امکان نائب بگیرد.

سوال ۳۳۷) تخیر میان قصر و اتمام در مکه و مدینه مختص کجاست؟

جواب: مکه و مدینه قدیم.

سوال ۳۳۸) سجده بر فرش در مسجدین (مکه، مدینه) جایز است یا نه؟

جواب: در صورت تقیه جایز است.

سوال ۳۳۹) اقتداء به اهل سنت در مکه و مدینه صحیح است یا تکرار لازم دارد؟

جواب: با رعایت وظیفه منفرد صحیح و مجزی است. یعنی نماز را خودش بخواند و فقط اعمال نماز را با آنها هماهنگ باشد.

سوال ۳۴۰) حکم خمس سپرده های حج و عمره و سود حاصل از آن چیست؟ (که سال ها پیش به قصد سفر حج واریز کرده است).

جواب: اگر سپرده از درآمد همان سال ثبت نام باشد خمس ندارد
و سود حاصله حلال است.

فهرست مطالب

عمره مفرده	۷
فاصله معتبر بین دو عمره مفرده	۱۱
اعمال عمره مفرده	۱۳
احرام از میقات	۱۴
میقات‌های پنج گانه	۱۴
احکام میقات‌ها	۲۱
واجبات احرام	۲۵
محرمات احرام	۳۲
کفّارات شکار	۳۷
احکام حرم	۶۱
جای کشتن کفّارات	۶۳
مصرف کفّارات	۶۳
اعمال عمره مفرده	۶۴
احرام	۶۴

طواف	۶۴
شرایط طواف	۶۴
واجبات طواف	۷۱
احکام متفرقه طواف	۷۳
نقص در طواف	۷۶
زیادی در طواف	۷۸
شک در عدد شوطها	۸۰
نماز طواف	۸۳
سعی	۸۵
شک در سعی	۹۰
تقصیر	۹۱
طواف نساء	۹۳
مستحبات سفر	۱۰۰
مستحبات احرام	۱۰۱
مکروهات احرام	۱۰۵
مستحبات داخل شدن به مکه معظمه	۱۰۷

فهرست مطالب.....۱۵۹

آداب مسجد الحرام و مکه معظمه.....	۱۰۷
آداب و مستحبات طواف.....	۱۱۲
مستحبات نماز طواف.....	۱۱۵
مستحبات سعی.....	۱۱۶
مستحبات دیگر مکه معظمه.....	۱۲۰
طواف وداع.....	۱۲۳
زیارت رسول اکرم ﷺ بعد از حج.....	۱۲۴
زیارت نامه حضرت رسول اکرم ﷺ.....	۱۲۴
زیارت نامه حضرت صدیقه ﷺ.....	۱۲۴
زیارت ائمه بقیع ﷺ.....	۱۲۵
زیارت حضرت حمزه.....	۱۲۸
زیارت وداع پیامبر ﷺ.....	۱۲۹
زیارت وداع ائمه بقیع ﷺ.....	۱۳۰
مسائل متفرقه و استفتائات جدید حج.....	۱۳۱
نماز مسافر.....	۱۳۴
روزه مستحبی.....	۱۳۴

۱۶۰..... مناسک عمره مفرده

- وقت نماز و روزه..... ۱۳۵
- حج و خمس..... ۱۳۵
- لقطه (گمشده) حرم..... ۱۳۷
- استفتائات مرتبط با مسائل عمره..... ۱۳۷
- نیابت..... ۱۴۱
- احرام..... ۱۴۱
- محرمات احرام..... ۱۴۳
- طواف..... ۱۴۶
- نماز طواف..... ۱۵۰
- سعی و صفا..... ۱۵۲
- متفرقه..... ۱۵۴